

سخنی چند درباره کتابشناسی طالب آملی

با همکاری
را حله محقق بهشتی

نوشته زیر بخشی از «کتابشناسی طالب آملی» است که به «سمینار طالب آملی. آمل - 24 فروردین 1375» (داده شد پس از آن که مقاله از سوی برگزار کنندگان، گزیده شد. از نگارندگان خواستند که بخشی از نوشته برای سخنرانی آماده شود. با اندکی تغییر آنچه نیاز بود، نوشته شد و محقق بهشتی به نشانه تنها سخنران زن، آن را خواند. پیشاپیش پیدا بود که گزارندگان این گفتار از سوی دارندگان اندیشه واپس گرایانه، سرزنش شوند اما گمان نمی رفت که از دست اندازی، به دستبرد و از کنار گذاشتن سه چهار جمله، به سانسور همه آنچه که خوانده شد، برآیند.

نخست، برخلاف قوانین فرهنگ، نام دیگر نویسنده گفتار را نادیده انگاشتند. سپس در فیلم ویدئویی پخش شده برگزار کنندگان کار بدستان دانشگاه پیام نور - مرکز آمل (بخشی از سخنرانی را بریدند، اما این، همه نیست

چندان نیابید که ویژه نامه سمینار که در اینجا «همایش» نوشتند (چاپ شد در این کتاب، همپادی از صمدی نشد و هم بی هیچ توضیحی، نوشته را که بخش های زیادی از آن خوانده شده بود، کنار نهادند، تا آن اندازه که حتی از آوردن نام گفتار و یا بندی از آن پرهیز کردند. به همین اندازه کوشیدند که در 18 صفحه (از ص 86 - 103) کتابشناسی آشفته - مانند دیگر برگ های کتاب با خطای چاپی - به خواننده بسپارند. نگ، ویرضنامه همایش شاعر گرانمایه طالب آملی، به کوشش مصطفی مجد. آمل: دانشگاه پیام نور، مهر 1375.

بر آگاهان و پژوهندگان پوشیده نیست که کتابشناسی، داده های ویژه ای مانند نشانه های پدیدآورنده و نام کتاب است که برای بهره گیری دستانداران و خواستاران فراهم می شود. روشن است پیدایی خطاهای چاپی در نوشته هایی از این دست، دشواری های تازه ای به بار می آورد.

به یاد بیاورد دستاورد کوشش برگزار کنندگان سمینار که به گونه مجموعه مقاله و نگاره 120 صفحه ای است گذشته از تبلیغ برای هدف های شناخته شده، کتابی است که به درستی می توان گفت از آغاز تا پایان دچار خطای چاپی بسیار، دست اندازی، دگرگونی نابجا، جابجایی نوشته ها به فرود دست کاری نادرست، بی نامی و یکسان نبودن گزیده مقاله های داده شده، چاپ مقاله هایی که در سمینار خوانده نشد، حذف نابجای گفتاری در شناسایی سروده هایی از طالب در دست نوشته ای باتاریخ 1034 ه.ق است. این گزارش با همکاری تتی از دوستان و به نام همو به سمینار داده شده بود.

شاید دست‌اندر کاران بر پایی آن نشست و چاپگران ویژنامه...چندان پشتیبان دارا و کاردار دارند که نیازی به «امانت‌داری» و «رعایت حقوق مولفین و مصنفین» ندارند. همان‌گونه که نیاز دیدند که از آن‌سراینده مسلمان و نام‌جو، کام‌خواه و یک چند ملک شعرائی دربار هند، سخنوری متشروع بسازند

نگارندگان گفتار پیش رو، بر پایه آشنایی با تاریخ، بر این باورند که جای دارد قلم بدستان دادگر، هم اینک و یا در آینده نچندان دور، از چرایی و چگونگی برگزاری نشست‌های فرهنگی و هنری‌سرزمین، گزارش درست و روشنی برای نامدگان بنگارند.

نکته پایانی این که، آگاه باشیم که بی‌تردید، برپایی چنان نشست‌ها و چاپ مجموعه‌هایی از آن‌دست، سبب بدبینی و کنارگیری اهل قلم خواهد شد

در اینجا گفته‌هایی را که در «ویژنامه»...نیاورده‌اند، می‌خوانید. چنانچه دست دهد «کتابشناسی‌طالب‌آملی» به شیوه دیگری در فرهنگ شاعران مازندران شناسانده می‌شود.

آذر 1375

آغاز سخن با یاد او که همارگی است و ستایش نام‌آوران بی‌نشان سرزمین و پس آن سپاس از برگزار کنندگان این نشست.

قرار است از طالب سخن گفته شود. اجازه دهید طالب بهانه‌ای باشد برای گفتن برخی دشواری‌های قلم.

پس، با اجازه قلم و یاران قلم

با نگاهی به گذشته مازندران به آسانی می‌توان دریافت که پدیده «ادبیات مهاجرت» در این سرزمین نیز پدیدار است؛ محمد بن جریر طبری، بزیست پیروزان که بعدها اعراب و ی را یحیی بن ابن منصور نامیدند و خاندان وی به ابن منجم آوازه دارند (ابوالعباس قصاب آملی، از نمونه‌های برجسته این ادعا هستند. این پدیده در گذر زمان همچنان پی گرفته شد و هر یک از برجستگان به‌دلیلی ترک میهن کردند و زندگی را، روز را و شب را در سرزمینی دیگر دوره کردند. طالب نیز چون صوفی آملی و شماری دیگر از نامداران مازندران به هند رفت و پس از او اشرف مازندرانی و برخی دیگر، خود و خیال خویش را به هند بردند تا ادبیات غربت این دیار بی‌سخنگو نماند.

در گذر روزگار ادبیات غربت دنباله یافت و اینک نیز، این کهنه، همچنان تازگی دارد. دربار مدرستی و یا نادرستی، برتری و یا کاستی شاعرانی از این دست، کارنامه آنان را در گذر زمان می‌توان سنجید، شاید هنوز زود باشد اما من به سبب ناگزیری شناسایی نسخه‌های او در جهان به شعر مهاجرت اشاره کردم. بی‌گمان اگر این مفهوم را بپذیریم، آنگاه بهتر می‌توانیم نیاز کار را در فراتر از مرزها دریابیم

چرا این دیار همیشه سبز، توانایی شناساندن برجستگان فرهنگی خود را ندارد؟ پیدا است دلایل زیادی، چون بدر محاصره دریا و کوه بودن، نم ویرانگر، نداشتن مادر شهر، فردگرایی، می‌توان یافت و گفت اما به‌گمان نگارنده برجسته‌ترین دلیل، نداشتن استقلال فرهنگی و نبود رسانه گروهی مربوط به منطقه به‌گونه فرآگیر - در سطح ایران بزرگ - است. همچنین از کاستی جایگاه‌های فرهنگی چون کتابخانه برای گسترش و انتقال داشته‌ها و

دانشته‌ها می‌توان یاد کرد. بنابراین بی‌هیچ تردید باید گفت: تا زمانی که چنینیم، همین خواهد بود

دمی بیاندیشید، سرنوشت شعر فارسی ما که چنین است، پس چه انتظاری از پیدایی و افزون خواهی سخنگویان بومی سرا؟ بی‌سبب نیست که دیگران از امیران شعر ما بر ساخته‌هایی چون امیر پازواری بسازند و ما نه‌بانگ افشاگرانه‌ای و نه‌برخورد بجای دیگری، بلکه پذیرش آن - که به هر حال خدایش بیامرزاد یکی را داریم و او مانده‌های شودزکو/خودزکو و برنهارد درن (به ما شناساند.

این سرنوشت، ویژه شعر فارسی و تبری مازندران نیست. در همسایگی ما - که نه، حتی در همین سرای استان مازندران شاعران بزرگی، چون: ملانپس، عندلیب، مسکین قلیچ، ذلیلی، سیدی، آزادی، مختومقلی داریم که همگی آوازه جهانی دارند و در بسیاری از دایره المعارف‌ها از آنان یاد شده است. جز در ایران (دریغ بسیاری از هم ولایتی‌ها - به ویژه پویندگان ادب - حتی نام آنان را نشنیده‌اند.

اینجا است که این کمترین پیشنهاد فرهنگ شاعران مازندران را می‌دهد. امید که حرکت‌هایی چون این سمینار راه تازه‌ای بنماید، اینک به طالب می‌پردازم. درباره شاعر بلند آوازه مازندرانی، محمد آملی که نخست نام آشوب برگزید و پس از چندی خود را طالب خواند، بسیار نوشته‌اند و نوشته‌اند که وی انسانی متفکر، خوشنویس و شاعری بزرگ بود که از آمل به هند رخت برکشید و در دربار شاهان آن کشور جایگاهی رفیع یافت. انسانی پرتوان و پیگیر ماندگاری نام، که در عین حال سرشار عاطفه بود و این را از داستان همدلی و همدستانان خواهرش، سستی نساء و یا سروده‌هایش می‌توان دریافت. شاید به سبب همین نازک دلی، مهرجویی و مهرآیینی بود که در برابر واقعیت‌ها و ضرورت‌ها تاب نیآورد و به بیماری اهریمنی افیون دچار شد.

طالب نیز از جمله بزرگان فرهنگ سرزمین ما است که بیشتر و بیشتر از آنکه اهل دیار وی را بشناسند و بشناسانند، دیگران - بیشتر بیگانگان - نام و یادش را ماندگار و بلند آوازه کردند.

به درستی باید گفت شمار زیادی از برجستگان روزگار گذشته این خاک، در مه‌آلودی تاریخ و یاد، پنهان مانده‌اند و برجستگان اکنون، کوشش چندانی برای یادآوری آنان حتی به‌گونه نامگذاری خیابان و یا برزنی نمی‌کنند. به راستی جای افسوس نیست که نام‌های بیگانه - هر چند همدل - برخیا بان‌های این دیار باشد اما از السهمی، یزدادی، قمری جرجانی و مازندرانی (، ابن اسفندیار، افراسیاب چلاوی، امیر علی تبرستانی، صوفی و ... که افزون بر همزبانی و همدلی از فرهیختگان و نامداران تبرستان بوده‌اند، نشانی بر نشان گاه‌های شهرها نباشد؟

گمان دارم مقصود از نوشتن آنچه که خوانده شد، پیدا باشد اما دیگر بار به گونه دیگری باید گفت: بزرگان را پاس بداریم تا آیندگان، روزگار ما را دریابند. درباره طالب آملی نیز چنین کنیم و پویندپرسش‌هایی باشیم که به‌گمان نگارنده این‌گفتار، تاکنون بی‌پاسخ مانده است.

1- چگونگی روزگارش برآمدن و بالیدن (در آمل

2- رخدادهای برجسته زندگانی در هند از دواج و فرزندان، چرایی و چگونگی مرگ، نادانستگی جایگاه مرگ و آرامگاهش، روابطش با مردم، بزرگان و شاعران هم روزگار)

3- با یاد داشت مازندران دوستی شاعر، آیا طالب سروده‌هایی به زبان تبری / مازندرانی داشت یا خیر؟

- 4 - رابطه باورهای مردمی با او در زمینه منظومه طالب / طالبان)
- 5 - پرسش پایانی اینکه چه اندازه شعر سرود؟ در اینکه دو مجموعه شعر چاپ شده‌اش کاستی دارند، تردیدی نیست. برای نمونه می‌توان به موارد اختلاف سه شعر او در نسخه‌ای با تاریخ 1034 ه.ق - حدود دو سال پیش از اعلام مرگش - موجود در کتابخانه وزیری یزد، با همین سروده‌ها در چاپ کلیات اشعارش اشاره کرد.
- پیش از شناساندن کتابشناسی طالب نیاز به اعلام می‌بیند که مجموعه در دست در برگیرنده آگاهی‌هایی است که تاکنون در این زمینه منتشر شده است. منابع به دو بخش 1- سروده‌های طالب، 1-1: نسخه خطی، 2-1: سروده‌ها - چاپی؛ 2-2: درباره زندگی و آثار او، 1-2: پایان‌نامه تحصیلی، 2-2: مقاله، 2-3: در کتاب‌ها صفحه‌هایی از کتاب (تنظیم و شناسانده شده است).
- نگارنده این گفتار از چند سال پیش تاکنون برای کار فرهنگ شاعران مازندران به جستجو در منابع گوناگون دست یازیده است و تا آنجا که در توان یک تن است، از منابع در دست بهره گرفت. کتابشناسی طالب نیز از جمله نیازهای پایه‌ای کار یاد شده است که مانند کتابشناسی دیگر شاعران مازندران در گذر زمان گسترده‌تر و انبوه‌تر می‌شود.
- برای بیان دشواری‌های کار بهتر آن دید که در زمینه کتابشناسی طالب آملی، آنچه را که در یکی از برجسته‌ترین منابع کتابشناسی شاعران ایران با نام فرهنگ سخنوران از زنده یاد ع. خیامپورتا هباز زاده (آمده است)، در اینجا ارائه دهد؛ با این امید که جامعه فرهنگی ایران به این باور درست‌بگر ایند که بهترین روش برای گردآوری زندگی و یا کتابشناسی بزرگان هر منطقه، بهره‌گیری از توان دوستداران و کارآمدان همان سرزمین است.
- در فرهنگ سخنوران 33 منبع چاپی و خطی سروده‌ها و درباره زندگی و آثار او شناسانده شده است، اما کتابشناسی‌ای که ارائه شده، از نظر آماری موارد زیر را در بر می‌گیرد:
- 145 - نسخه خطی موجود در کتابخانه‌های دنیا. برای شناسایی این نسخه‌ها بیش از 700 عنوان کتاب، نشریه و میکروفیلم از نسخه‌های خطی فارسی، صفحه به صفحه خوانده شد. نسخه‌ها به ترتیب تاریخ نگارش و یا گردآوری شماره شده‌اند. نسخه‌های بی‌تاریخ در پایانی آمده است.
- 2 - میکروفیلم از نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. این دو میکروفیلم را که با شماره‌های 67 و 136 در این کتابشناسی شناسانده شدند، از دو دست‌نوشته قدیمی در ایران و دیگری در کتابخانه بادلیان انگلیس برداشته‌اند.
- دیوان وی 2 بار چاپ شد که ویژگی‌هایش آمده است: 1 - به کوشش عبدالرشید از روی نسخه 1032 ه.ق - 2 - به کوشش محمد طاهری شهاب (به تاریخ مقدمه 1346).
- 4 - عنوان پایان‌نامه تحصیلی که سه رساله به زبان فارسی و یکی به زبان انگلیسی است. دو پایان‌نامه فوق لیسانس و دو دیگر دکترا می‌باشد.
- 11 - عنوان مقاله درباره زندگی و شعر طالب شناسانده شده است. البته شماری از منابع همچون «فرهنگ سخنوران» از مقاله‌های مربوط به شعر سده 11 یاد کرده‌اند و آن‌ها را از جمله منابع مربوط به طالب آورده‌اند اما نگارنده چنین نپسندید، زیرا در بیشتر مقاله‌هایی که به اوضاع ادبی آن روزگار می‌پردازند از طالب نیز یاد شده است.
- 136 - عنوان کتاب نیز هست که در صفحه‌های آن‌ها از زندگی و سروده‌های طالب یاد شده است. مانند تذکره‌ها و منابع تاریخ ادبی.

دیگر بار باید گفت که شاید چاپ‌شده‌هایی باشند که در آن‌ها از طالب آملی یاد شد ولی در این کتابشناسی نیامده است.
کتابشناسی طالب

1- سروده‌ها - نسخه خطی

- 1 تهران، موزه ایران باستان - 4326] دیوان [نستعلیق سده 10 و 11، 123 ص، وقف آستانه شیخ‌صافی در 1017] نسخه‌های خطی، [2/206.
- 2 مشهد، دانشکده الهیات - 22717] در جنگ [شکسته نستعلیق چلیپا با تاریخ 1023 و 1031 و 1048، آغاز و انجام ناقص است. مجموع 59 ٹگ سطر مختلف] ف. الهیات مشهد، [3/854.
- 3 تهران، سپهسالار - 1597 1220] (دیوان [نستعلیق خوب، ظاهر ثدر نیمه اول سده 11 نوشته‌شد. در حدود 3500 بیت، 152 گ 14 س] ف. سپهسالار، [2/628]؛ [4/508].
- 4 قلیس، بنیاد خاورشناسی فرهنگستان - جنگ 11] مثنوی و غزلیات در جنگ. از 137 پ - [40/1] با تاریخ جمادی الثانی 1031]، نسخه‌های خطی، [8/172.
- 5 تهران، دانشگاه تهران - 2593] در جنگ ص 49، [289 نستعلیق مورخ 1014 - 1033، مجموع 151 ٹگ سطر چلیپا] ف. دانشگاه، [9/1429].
- 6 یزد، وزیری - 2016 ش عمومی 9494] در بخش 4 مجموعه [نستعلیق با تاریخ صفر 1034، مجموع 150 ٹگ 19 س] ف. وزیری، [4/1129].
- 7 تهران، دانشگاه تهران - 3295] در طراز الاخبار، ص 4، 85-25، [199 نستعلیق سده 11 قبل از 1037]، (مجموع 107 ٹگ سطر چلیپا] ف. دانشگاه، [11/2272].
- 8 تهران، مجلس - 13729 1018] (دیوان [نستعلیق به تاریخ 1042، برگ‌هایی از آن افتاده و جابجا شده است. در حدود 9000 بیت، 251 گ 20 س] ف. مجلس، [3/340].
- 9 پاکستان، شیخ محمددین:] دیوان [به تاریخ 1024] کلیات طالب، شصت و شش].
- 10 هند، آصفیه - 616 دواوین:] دیوان [نستعلیق مورخ 1043، 191 گ 13-14 س] ف. آصفیه، [595].
- 11 تهران، دانشگاه تهران - 1/2501] دیوان، همراه دیوان شاعری دیگر [نستعلیق 12 شعبان 1048، 98 گ 15 س] ف. دانشگاه، [9/1271].
- 12 تهران، مجلس - 5138 ش دفتر 66588 فارسی:] (در بخش 23 مجموعه [شکسته نستعلیق از سده 11، عنوان یادداشتی به تاریخ 1048 در نسخه هست] ف. مجلس، [15/140].
- 13 تهران، ملی - 2976/ ف 2461/ د:] (دیوان [نستعلیق به تاریخ 1048 و سده 13، 298 گ 14 س] ف. ملی، [6/729].
- 14 تهران، دانشکده ادبیات - حکمت - 217] دیوان [شکسته نستعلیق به تاریخ 1052 . [ف. دانشکده ادبیات، [1/20].
- 15 تهران، ملک - 10/554] در بخش 10 مجموعه [نستعلیق مورخ شعبان 1053، مجموع 198 ٹگ] ف. ملک، [5/74].

- 16 - تهران، مجلس - 2325 ش دفتر 74504]: (منتخب دیوان در جنگ [اشعار طالب حدود 1070 بیت، شکسته نستعلیق مورخ 1053، 124 ص سطر مختلف] ف. مجلس، 8/11].
- 17 - قم، آیت‌الله‌گلپایگانی - 814]: در جنگ [تحریر سده 11 و در دو جا تاریخ 1053 و 1055 دارد، مجموع 120 ثگ] ف. آیت‌الله‌گلپایگانی، [2/47].
- 18 - لاهور، یال سنگهاتراست - 54]: دیوان [نسخ مورخ 22 ربیع‌الثانی 1058 در 468 ص] ف. مشترک پاکستان، [7/817].
- 19 - تهران سلطنتی 146 - ش دفتر 672]: (در جنگ ص [102 شکسته نستعلیق مورخ 1058، مجموع 140 ثص سطر مختلف] ف. سلطنتی «دیوان‌های خطی»، [355].
- 20 - ساری، طاهری شهاب]: دیوان [نستعلیق مورخ 14 ج 2/1059، 670 ص] نسخه‌های خطی، [6/619].
- 21 - تهران، مجلس - 2665 ش دفتر 13922]: (در مجموعه [خط مختلف با تاریخ‌های 1060 و 1151، مجموع 712 ثص سطر مختلف] ف. مجلس، [8/422].
- 22 - تهران، سازمان لغت نامه دهخدا - 38]: دیوان [نستعلیق ج 2/1064، آغاز و انجام افتاده، نسخه‌های خطی، [3/19].
- 23 - تهران، مجلس - 4784]: در مجموعه [نستعلیق مورخ شعبان 1064، مجموع 373 ثگ] ف. مجلس، [2/263].
- 24 - تهران، دانشگاه تهران - 3518]: دیوان به همراه شاعر دیگر [نستعلیق مورخ 1065، 322 گس] ف. دانشگاه، [12/2531].
- 25 - کپنهاگ، کتابخانه سلطنتی - مجموعه کریستن سن - 15]: دیوان [نستعلیق مورخ 1068] نسخه‌های خطی، [5/705].
- 26 - تهران، ملک - 5393]: دیوان [نستعلیق با تاریخ 1069، آغاز و انجام افتاده، 129 گس] منزوی، [1411].
- 27 - قاهره، دارالکتب - 131 م ادب فارسی]: دیوان در مجموعه [تعلیق مورخ صفر 1070] ف. مخطوطات دارالکتب، [1/177].
- 28 - تهران، مجلس - 2327 ش دفتر 13290]: (در جنگ [شکسته نستعلیق چلیپا به تاریخ 1072، مجموع 804 ثص. 30 س] ف. مجلس، 8/17، [19].
- 29 - مشهد، کتابخانه فرخ - 82]: در بیاض [نستعلیق مورخ 15 صفر 1075، نسخه‌های خطی، [3/87].
- 30 - تهران، عبدالحسین بیات]: در سفینه نظم و نثر ص [245 نستعلیق مورخ 1078 و 1079 و 1084، مجموع 226 ثگ، آغاز و انجام افتادگی دارد] نسخه‌های خطی، [6/114].
- 31 - تهران، دانشگاه تهران - 4727]: در جنگ ص 130 و 356 و [419-414 شکسته نستعلیق سده 11 با تاریخ 27 ج 2/1089 مجموع 329 ثگ سطر چلیپا] ف. دانشگاه، [14/3675].
- 32 - کراچی، موزه ملی - 1240 - 1961]: N.M. دیوان [نستعلیق مورخ 21 ذیقعدہ 1091، آغاز افتاده، در 496 ص] ف. موزه ملی پاکستان، [508].
- 33 - تهران، مجلس - 2328]: بنتوی قضاوقدر در جنگ ص [49-57 نستعلیق مورخ 1096] ف. مجلس، [8/21].

- 34 - تهران، دانشکده ادبیات - 91 ج [مثنوی قضاوقدر در جنگ] شکسته نستعلیق سده 11،
درمیانه نسخه یادداشت 14 محرم 117=1107 دارد، مجموع 134 16س [ف. ف. ف.
دانشکده ادبیات، 1/165].
- 35 - تهران، دانشکده الهیات - 172 ج 13182] (دیوان [نستعلیق سده 11، 251
س18] ف. دانشکده الهیات، [1/59].
- 36 - تهران، دانشگاه تهران - 2444] در جنگ ص [298 شکسته نستعلیق چلیپای سده
11، مجموع 191 30س] ف. دانشگاه، [9/1075].
- 37 - تهران، دانشگاه تهران - 2428] در کنوز الشعراء ص [50 نستعلیق سده 11، نسخه
افتادگی دارد، مجموع 277 17س] همانجا، [9/1087].
- 38 - تهران، دانشگاه تهران - 2446] در جنگ ص [459 نستعلیق سده 11، مجموع 11
415س] همانجا، [9/1141].
- 39 - تهران، دانشگاه تهران - 2448] در مجمع الشعراء [نستعلیق سده 11، مجموع 11
88س] همانجا، [9/1161].
- 40 - تهران، دانشگاه تهران - 2504] در مضامین شعراء ص [27 نستعلیق سده 11،
پاره‌ای از برگ‌ها نونویس است، مجموع 613 20س] همانجا، [9/1282].
- 41 - تهران، دانشگاه تهران - 2620] در جنگ ص [233 نسخ سده 11: فهرست
صدوسی شاعر دارد، مجموع 155 9س] همانجا، [9/1493].
- 42 - تهران، دانشگاه تهران - 3041] در جنگ ص [205 نستعلیق سده 11، آغاز و انجام
افتاده، مجموع 133 15س] همانجا، [10/1987].
- 43 - تهران، دانشگاه تهران - 3098] در جنگ ص 272 و 470 و [526 نستعلیق سده
11، مجموع 275 24س] همانجا، [11/2045، 2048-2049].
- 44 - تهران، دانشگاه تهران - 3765] در جنگ ص 63 و 74 و [93 نستعلیق چلیپای سده
11] همانجا، [12/2755].
- 45 - تهران، دانشگاه تهران - 3871] در جنگ ص 13 و 204 و [255 نستعلیق سده
11، مجموع 324 12س] همانجا، [12/2853].
- 46 - تهران، دانشگاه تهران - 4058] در جنگ ص [128 نستعلیق سده 11، آغاز و انجام
افتاده، مجموع 76 13س] همانجا، [13/3042].
- 47 - تهران، دانشگاه تهران - 4366] در جنگ ص 12 و [48 شکسته نستعلیق سده 11،
راسته و چلیپا. مجموع 79 17س] همانجا، [13/3335].
- 48 - تهران، دانشگاه تهران - 5400] در جنگ [نستعلیق سده 11، آغاز و انجام افتاده،
مجموع 313 21س] همانجا، [15/4243].
- 49 - تهران، دانشگاه تهران - 8823] در جنگ شعر و نثر فارسی [نستعلیق چلیپای سده
11، آغاز و انجام افتاده، در 147 22س] همانجا، [17/228].
- 50 - تهران، حاج‌باقر ترقی [دیوان] مورخ سده 11، [کلیات طالب، شصت و هفت].
- 51 - تهران، سپهسالار - 923 143] (مثنوی قضاوقدر در جنگ [نستعلیق و نسخ بی
تاریخ، در پیرامون سده 11 نوشته شده مجموع 318 3س] ف. سپهسالار،
[4/50].
- 52 - تهران، دکتر حسین مفتاح - 664] در جنگ نظر و نثر [نستعلیق سده 11] نسخه‌های
خطی، [7/132].

- 53-تهران، - 850] در جنگ شعرهاي فارسي. مثنوي [117-122 نستعلیق سده 11 .
[همانجا، 7/133].
- 54-تهران، - 858] در جنگ نظم و نثر فارسي [نستعلیق سده 11، انجام افتاده]. همانجا،
7/135].
- 55-تهران، ملك - 5092] ديوان [نستعلیق سده 11، انجام افتاده، 147گ 14س]. ف. ملك،
2/309].
- 56-اسلام آباد، گنج بخش - 1466] ديوان [نستعلیق سده 11، غزلهاي اوست. آغاز
افتاده، در 314ص]. ف. گنج بخش، [3/1459].
- 57-اسلام آباد، - 5694] مثنوي قضاوقدر [نستعلیق سده 11، به دنبال نزهه‌الارواح
ص 182-187] (همانجا، 3/1719).
- 58-نجف، مکتبه‌النجف - 2] ديوان [نستعلیق سده 11، نسخه‌هاي خطي، [5/433].
- 59-تهران، دانشگاه تهران - 2950] در جنگ ص 106 و 140 و 142-143 و
[146-147] نستعلیق چند خط از سده 11 و 12. نسخه آشفته و پس و پيش است. مجموع ٲ
274گ سطر مختلف]. ف. دانشگاه، [10/1839].
- 60-تهران، دانشگاه تهران - 4530] در جنگ ص [16 گردآورده سده 11 و 12، 53گ
سطر چليپا]. همانجا، [13/3479].
- 61-تهران، دانشگاه تهران - 8519] در جنگ [نستعلیق سده 11 و 12 در 321گ
15س]. همانجا، [14/3654].
- 62-تهران، - 8519] در جنگ [نستعلیق و نيز به چند خط راسته و چليپا از سده 11 و
12، مجموع 181گ 20س]. ف. دانشگاه، [17/152].
- 63-اسلام آباد، گنج بخش - 1466] ديوان [نستعلیق سده 11 در 314ص]. ف. گنج
بخش، [3/1459].
- 64-تهران، دانشگاه تهران - 2438] در جنگ ص 116 و 197 و 231 و [320-321
نستعلیق چندخط از سده 11 و 13، مجموع 171گ 14س]. ف. دانشگاه، [9/1111].
- 65-تهران، دانشگاه تهران - 2466] در مجموعه ص [712-718 از سده 11-13،
مجموع 432گ 14س]. همانجا، [9/1227].
- 66-تهران، دانشگاه تهران - 8006] در جنگ [شکسته نستعلیق سده 11-13، مجموع ٲ
77گ 10س]. همانجا، [17/6].
- 67-تهران، دکتر حافظ فرمانفرمائيان] در مجموعه و جنگ ص [173 نستعلیق و نسخ از
سده 11 و 12 و 13، برگ‌ها پس و پيش شده و با افتادگي‌هاي زياد در صفحات]. نسخه‌هاي
خطي، [7/554]. تهران، دانشگاه تهران - فيلم 3743: از روي همين نسخه]. ف. فيلم‌ها،
2/237].
- 68-لاهور، ديال سنگهاترست - 55] ديوان [نستعلیق پس از 1100 سنه الف و مائه و
(...در 354ص]. ف. مشترك پاکستان، [7/818].
- 69-تهران، دانشگاه تهران - 2454] در مجموعه [شکسته نستعلیق مورخ 24 ج
1/1101، مجموع 194گ 25س]. ف. دانشگاه، [9/1190].
- 70-مشهد، جامع گوهرشاد - 434] در جنگ [شکسته نستعلیق مورخ 2 رمضان 1101،
مجموع 155گ 21س]. ف. جامع گوهرشاد، [2/540].

- 71 استانبول، طوقیواسرای - 978 H: دیوان [مورخ 1104، 113 گ 19 س] . ف . فهمی ادهم، [1/284].
- 72 تهران، دانشگاه ادبیات - 91 ج: مثنوی قضاوقدر در جنگ [نستعلیق با تاریخ 117 در 1107 در دفتر] ف . دانشکده ادبیات، [1/165].
- 73 تهران، مجتبی مینوی - 86]: در سفینه المفردات [دیرترین تاریخ 1108 است . نسخه های خطی، [6/651].
- 74 کراچی، موزه ملی - N.M: [305-1971]. دیوان [نستعلیق سده 12 با تاریخ نویس 1125 در 290 ص . دارای قصیده و غزل] . ف . موزه ملی پاکستان، [508].
- 75 قاهره، دارالکتب - 44 م ادب فارسی] : دیوان [تعلیق مورخ 1125، 172 گ 21 س .]ف مخطوطات دارالکتب، [1/177].
- 76 اسلام آباد، گنج بخش - 9752]: دیوان [نستعلیق مورخ 1126، دارای غزل، رباعی و قصیده] ف . مشترک پاکستان، [7/819].
- 77 تهران، مجلس - 2324 ش دفتر 14089]: (در جنگ ص 22 و 65 و 74 و [76 نستعلیق مورخ 141 = ظاهر 1141 ث، آغاز و انجام افتاده، مجموع 252 ثص 20 س .]ف . مجلس، [8/9].
- 78 قاهره، دارالکتب - 173 م ادب فارسی] : کلیات [مورخ 15 شوال 1143، 249 گ 18 س] . ف . مخطوطات دارالکتب، [2/70].
- 79 تهران سلطنتی - 1 ش دفتر 424]: (در دیده مغول [بدون تاریخ، یادداشت هایی با تاریخ 1144 - 1151 دیده می شود، مجموع 1062 ثص 12 س] ف . سلطنتی، [1/23].
- 80 تهران، ملی - /3040 ف /2559 د]: (در جنگ شعر [نستعلیق مورخ 1152، مجموع 289 گ 1 س] . ف . ملی، [6/838].
- 81 لاهور، دانشگاه پنجاب - 56 461 252 API/VI ف]: (دیوان [مورخ 20 رجب 1165] . ف . عبدالله، [2/347].
- 82 انگلیس، موزه بریتانیا - 376 (4772 OR: مثنوی قضاوقدر [با تاریخ 1170 در دفتر] . ذیل ریو، [234].
- 83 تهران، مجلس - 2666 ش دفتر 35580]: (در مجموعه [شکسته نستعلیق مورخ 1171، مجموع 6 ثص 15 تا 17 س] . ف . مجلس، [8/427].
- 84 تهران، دانشسرای عالی - قریب 32]: دیوان [نستعلیق سده 12، آغاز و انجام افتاده] . نسخه های خطی، [5/627].
- 85 تهران، دانشگاه تهران - 4476]: در جنگ ص [25 شکسته نستعلیق نوشته سده 12، مجموع 86 گ سطر چلیپا] . ف . دانشگاه، [13/3426].
- 86 تهران، سپهسالار - 936 2913]: (قصیده در جنگ [نسخ و نستعلیق سده 12، مجموع 450 گ سطر مختلف] . ف . سپهسالار، [4/68].
- 87 تهران، مجلی - 16107 1019]: (دیوان [نستعلیق ظاهر ثمورخ 12 در حدود 17000 بیت، در بیشتر صفحات کلمه « صح » که حاکی از تصحیح نسخه است دیده می شود، 434 گ 33 بیته] . ف . مجلس، [3/341].
- 88 تهران، 13 اهدائی رهی معیری ش دفتر 80741]: (دیوان [نستعلیق بی تاریخ سده 12، 331 ص 16 س متن، 30 نیم سطر حاشیه] همانجا، [18/17].
- 89 تهران، ملک - 5291]: دیوان [نستعلیق سده 12، 295 گ 20 س] . منزوی، [2412].

- 90 - تهران، ملي - 21/225/ ف / 2030/1670 س]: (در مجموعه [شکسته نستعلیق سده 12، مجموع 216 ٹگ 28 س] ف. ملي، [1/230].
- 91 - تهران، - / 2866 ف / 2263 د]: (رباعیات در مجموعه رباعیات [نستعلیق محتملا از سده 12، مجموع 25 ٹگ 14 س] همانجا، [6/521-525].
- 92 - مشهد، دانشکده الهیات - 22690]: در جنگ [نستعلیق سده 12، مجموع 220 ٹگ 17 س آغاز و انجام ناقص] ف. الهیات مشهد، [3/837].
- 93 - لس آنجلس، دانشگاه لس آنجلس - 42]: C دیوان [سده 12 در 100 گ انجام افتاده] نسخه های خطی، [11-12/42].
- 94 - انگلیس، موزه بریتانیا - 9743]: OR. دیوان [نوشته سده 12 همانجا، [4/678].
- 95 - انگلیس، - 10935]: OR. دیوان [نوشته سده 12 همانجا، [4/680].
- 96 - اسلام آباد، گنج بخش - 4843]: در جنگ [نستعلیق دو کاتب از سده 12، مجموع 376 ص] ف. گنج بخش، [1/386].
- 97 - گجرات، احمد حسین قلعه داری - 242]: دیوان [نستعلیق سده 12، در 154 ص] ف. مشترک پاکستان، [7/819].
- 98 - استانبول، طویقوسرای - 1008]: R دیوان [نوشته حدود 12] ف. فهیمی ادهم، [1/284].
- 99 - ترکیه، کتابخانه مغنیا - 2/6412]: دیوان به همراه دیوان شاعر دیگر [نستعلیق بدون تاریخ ظاهر شده 12] ف. مغنیا، [50].
- 100 - کشمیر، کتابخانه کشمیر ربهوپال - 616]: دیوان [نستعلیق قرن 17 م سده 12 (در 218 گ] ف. کتابخانه کشمیر ربهوپال، [97].
- 101 - لس آنجلس، دانشگاه لس آنجلس - 102]: C در جنگ شعر فارسی [نستعلیق چلیپایی سده 12 و 13] نسخه های خطی، [11-12/26].
- 102 - اسلام آباد، گنج بخش - 4755]: در جنگ [نستعلیق سده 12 و 13 مجموع 260 ص] ف. گنج بخش، [1/385].
- 103 - تهران، مجلس - 291 ش ثبت قدیم 44655 جدید 5418]: (در مجموعه [به چند قلم باتاریخ های 1089 و 1201 اشعار طالب در 201)، مجموع 1457 ٹص سطر مختلف] ف. مجلس، [21/281].
- 104 - تبریز، کتابخانه ملی - 530 اهدائی نجوانی ش دفتر 2544]: (دیوان [نستعلیق مورخ 1201، 349 گ سطر مختلف] ف. کتابخانه ملی تبریز، [2/599].
- 105 - تهران، سلطنتی - 470 ش دفتر 512]: (در مجموعه نظم و نثر [نستعلیق بدون تاریخ، بایادداشت هایی به تاریخ 1207 و 1271، مجموع 867 ٹص] ف. سلطنتی، [2/1176].
- 106 - تهران، دانشگاه تهران - 4199]: در مجموعه [نستعلیق روز 5 شنبه رجب 1225، مجموع 101 ٹگ 20 س] ف. دانشگاه، [13/3171].
- 107 - کراچی، موزه ملی - 5/176 - 1962]: N. M.: دیوان در هاشم دیوان شاعر دیگر از ص [17-367 نستعلیق مورخ 1233] ف. موزه ملی پاکستان، [508].
- 108 - کراچی، [13-1965 B 1965-13. N. M.] گزیده دیوان در مجموعه از ص [166-334 نستعلیق سده 13 با یادداشت 1237] همانجا، [508].

- 109 - لاهور، دانشگاه پنجاب - 72: SPI/VI 5121 دیوان [نستعلیق مورخ 1250] ف. عبدالله، [2/527].
- 110 - مشهد، دانشکده ادبیات - 216 فرخ: منتخب دیوان در مجموعه [نستعلیق چهارشنبه 5ج 2/1269، 144 گ 14س] ف. دانشکده ادبیات مشهد، [196].
- 111 - تهران، سنا - 1145 17348: (در جنگ نظم و نثر) [نستعلیق با تاریخ 24 رجب 1273، مجموع 225 گ 17-20س] ف. سنا، [2/134].
- 112 - تهران، مجلس - 2329 ش دفتر 13758: (در جنگ ص 258 و [338 نستعلیق با تاریخ 1247 و 1275، مجموع 985 ص 16س] ف. مجلس، [8/35].
- 113 - تهران، - 23338 ش دفتر 13913: (در جنگ ص [62 نستعلیق و شکسته با تاریخ 1292، مجموع 381 ص] همانجا [8/47].
- 114 - بابل، عباس جهانیان [دیوان] نوشته سده 13، کلیات طالب، شصت و هفت [115 - تهران، دانشکده حقوق - 97 ج: (در جنگ [نستعلیق سده 13، مجموع 53 گ سطر چلیپا] ف. دانشکده حقوق، [84].
- 116 - تهران، ملک - 5543: دیوان [شکسته نستعلیق سده 13 در متن و هامش، 163 گ 18س] ف. ملک، [2/310].
- 117 - تهران، ملی - 200/ ف: (در جنگ [نستعلیق محتملا از سده 13، مجموع 108 گ 12س] ف. ملی، [1/198].
- 118 - تهران، ملی - 7/2819/ ف: (در مجموعه [نستعلیق سده 13، همانجا، [6/454].
- 119 - تهران، ملی - 3050/ ف 2569/ د: (در جنگ [نسخ و نستعلیق شکسته سده 13، مجموع 188 گ 20س] همانجا [6/849].
- 120 - تهران، دانشگاه تهران - 4405: (در جنگ ص [93 نستعلیق سده 13 و 14 مجموع 106 گ سطر چلیپا] ف. دانشگاه، [13/3366].
- 121 - کراچی، استاد پیر حسام‌الدین راشدی: دیوان [نستعلیق شکسته 15 مه 1964 1384 (در 58 ص 19س] ف. مشترک پاکستان، [7/820].
- 122 - تهران، دانشکده حقوق - 375 ج 61166: (در جنگ [شکسته سده 14، مجموع 163 گ سطر چلیپا] ف. دانشکده حقوق، [84].
- 123 - تهران، مجلس - 2340 ش دفتر 74283: (در جنگ [نستعلیق بدون تاریخ سده 14 (مجموع 83 ص 25س] ف. مجلس [8/51].
- 124 - تهران، ملی - 1940/ ف 650/ م: (در جنگ اشعار [شکسته نستعلیق سده 14، مجموع 119 گ 17س] ف. ملی، [4/401].
- 125 - تبریز، کتابخانه ملی - 1284 اهدائی نجوانی ش دفتر 2594: (منتخب دیوان در جنگ از [1-152 نستعلیق بدون ذکر نام کاتب و تاریخ، مجموع 329 گ سطر مختلف] ف. ملی تبریز، [1/350].
- 126 - تهران، دانشگاه تهران - 8126: (در جنگ [نستعلیق چلیپا در دو ستون با سه نوع خط، آغاز و انجام افتاده، مجموع 94 گ 12س] ف. دانشگاه، [17/38].
- 127 - تهران، کتابخانه نوربخش - 465: دیوان [نستعلیق بی تاریخ، 132 ص 33س] ف. کتابخانه نوربخش، [2/148].
- 128 - تهران، مجلس - 5114: (در مجموعه [نستعلیق، مجموع 715 گ 18ص] ف. مجلس، [2/253].

- 129 تهران، [2328]: مثنوي قضا و قدر در جنگ ص [57-49]: نستعلیق چند خط چلیپا [همانجا، 8/21].
- 130 تهران، گلچین معانی [بخشی از دیوان] بدون ذکر تاریخ، 350 بیت از ساقی نامه اوست [نسخه‌های خطی، 1/36].
- 131 قم، آیت الله گلپایگانی - 356: در جنگ شعری [نستعلیق، مجموع 151 ٹگ سطر چلیپا] ف. آیت الله گلپایگانی، [1/302].
- 132 قم، آیت الله مرعشی - 2305: در جنگ [نستعلیق با یادداشت‌های مختلف، مجموع 120 ٹگ سطر مختلف] ف. آیت الله مرعشی، [6/288].
- 133 مشهد، کتابخانه فرخ - 83: در جنگ [بدون ذکر مشخصات نسخه] نسخه‌های خطی، [3/88].
- 134 مشهد، -؟ [دیوان] بدون ذکر مشخصات نسخه [همانجا، 3/90].
- 135 لس آنجلس، دانشگاه لس آنجلس - 1226: M در جنگ شعر فارسی [نستعلیق چلیپای چهارستونی بدون ذکر مشخصات نسخه] نسخه‌های خطی، [11-12/29].
- 136 انگلیس، بادلیان - 69 Add. اوزلی ش 1241: [دو مثنوی در مجموعه]، مجموع 412 ٹگ دارای 62 رساله.
- * تهران، دانشگاه تهران - فیلم 1236 و 1338: از همین نسخه [ف. فیلم‌ها، 1/586].
- 137 بنگال، - آسیائی - 1 - قصاید 486: (قصاید طالب) [نستعلیق] منزوی، [2412].
- 138 بنگال، OA 17/73 مجموعه‌ها 10: [دیوان] نستعلیق، تاریخ یاد نشده [همانجا، 2412].
- 139 اسلام آباد، نیشنل آرشیو - 7: دیوان [تاریخ و نشانی دیگر یاد نشده] ف. مشترک پاکستان، [7/820].
- 140 پیشاور، ریکارد آفیس - 75: دیوان [نستعلیق بی تاریخ در 528 ص] [همانجا، 7/820].
- 141 پیشاور، عجایب گهر [دیوان] [تاریخ و نشانی دیگر یاد نشده است] [همانجا، 7/820].
- 142 حیدر آباد، کتابخانه استان سند: دیوان [بدون ذکر مشخصات نسخه] کتابخانه‌های پاکستان، [1/43].
- 143 استانبول، طوقیوسرای - 6/93: HI: دیوان [بدون ذکر مشخصات نسخه] ف. فهمی ادهم، [1/312].
- 144 مدینه، مکتبه عارف حکمت - 137 114: [دیوان] در فهرست به شماره 13، 180 گ همراه دیوان شاعری دیگر [نسخه‌های خطی، 5/487].
- 145 هند، اصفیه - 1616 دیوان [دیوان] نستعلیق، حدود 7000 بیت در 124 گ 16 س. [ف. اصفیه، 3/335].

- 1 - طالب آملی، محمد. تذکره طالب آملی معه انتخاب کلام (با مقدمه عبدالحمید عرفانی؛ عبدالرشید. کراچی، بی نا، 1965 م، 138 ص).
- 2 - طالب آملی، محمد. کلیات اشعار ملک الشعراء طالب آملی به اهتمام و... محمد طاهری شهاب (تهران: سنائی] تاریخ مقدمه [1346 + 72 1146 ص.

درباره زندگی و آثار او

پایان نامه تحصیلی

1 - A critical edition of Diwan-i Ghazai of Talib-i-Amoli.

- هند، دانشگاه لکهنو، 1973 م پایان نامه دکترا (ف. موزه ملی پاکستان، [508].
- 2 - جهانیان، حبیب الله. نقد و بررسی منظومه شفاهی «طالب» در مازندران. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران. رشته زبان و ادبیات فارسی، 1372-3، [3] + 228 ص. پایان نامه فوق لیسانس).
- 3 - مرسلین، محمد. محمد طالب آملی، شرح حال و آثار او. تهران: دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات، 1338، ر + 154 ص. پایان نامه دکترا.
- 4 - نعمت اصفهانی، عمران. صورخیال در اشعار طالب آملی. سنندج: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سنندج، رشته زبان و ادبیات فارسی، 1374، پایان نامه فوق لیسانس).

مقاله

- 1 - بصاری، طلعت. «طالب آملی». «هلالي، 15، ش 4 و 5 مرداد (1346) 51-56.
- 2 - جعفری، یونس. «يك تحقيق کوتاه و جالب راجع به طالب آملی». «وحيد، 5 (1347) 657-661.
- 3 - حجازي کناري، حسن. «طالب آملی». «سالنامه کشور ایران، 11 (1335) 188-176.
- 4 - اشدي، حسام الدين. «طالبی آملی و سخني دیگر پیرامون زندگی این شاعر». «ترجمه محمدبن جوان. هنر و مردم، 15، ش 179 شهریور (1356) 31-42.
- 5 - رجائي، احمد علي. «مطالب خواندني از توزك جهانگيري [طالب آملی]. [نشریه فرهنگ خراسان، 3، ش 10 آذر (1340) 8-11.
- [6 - رستگار سارو کلايي، بهروز. «آشنایي با مشاهير مازندران: طالب آملی». «ابرار (16/4/1372) 15 ویژه مازندران.
- 7 - گودرزي، فرامرز. «زندگینامه و کارنامه ادبی طالب آملی». «هنر و مردم، 15، ش 157 آبان (1354) 35-44 و ش 58 آذر (49-58) و ش 159-160 دي و بهمن (46-57 و ش 161 اسفند) 39-54 و ش 162 فروردین (1355) 46-49 و ش 163 اردیبهشت (32-28 و ش 164 خرداد) 68-72 و ش 165-166 تیر - مرداد (89-100 و ش 167 شهریور)

77-81 (ش 168 مهر) 62-69 (ش 169-170 آبان - آذر) 95-102 (ش 171 دي)
69-73 (ش 172 بهمن) 58-64 (ش 173 اسفند) 46-49 (ش 174 فروردین 1356)
44-49 (ش 176 خرداد) 30-38 (ش 177-178 تیر - مرداد) 46-54 (ش 179
شهریور) 31-42.

8- گودرزی، فرامرز « شرحی پیرامون قضا و قدر [از طالب آملی] هنر و مردم،
16 ش 191-192 شهریور - مهر 1357 (90-97).
9- محیط طباطبائی، محمد « اصلاح چند اشتباه در ترجمه احوال طالب آملی . « گوهر، 3
1354 (887-893 و 4 1355) 15-19.
10- ملکی، ایرج « طالب چکامه - افسانه - زندگی . « موسیقی، ش 83 دي 1342 (18-
10 و ش 84-85 بهمن - اسفند) 26-334.
11- نجف زاده بار فروش، محمد باقر « منظومه طالبیا و مازندرانی ها . « اطلاعات
هفتگی، ش 13359 اردیبهشت 1366 (55 و ش 23 2337 اردیبهشت) 22 و ش 2338
30 اردیبهشت) 22 و ش 2339 6 خرداد). 22.
پراکنده در کتاب

1- آذر بیگدلی شاملو، لطفعلی بیگ بن آقاخان آتشکده آذر . تصحیح حسن سادات نصری .
تهران: امیرکبیر، 1336-1340، 3 ج :ص 2 870-904.
2- آزاد بلگرامی، غلامعلی . خزانه عامره . تألیف در 1176 . (هند کانپور :؟، ؟ :ص
300-303 از خیامپور).
3- آصفی، آصفه . نگاهی به ادب پارسی . تهران : بی‌نا، 1355 « چاپ 2 : ص 262-
261، 269.
4- آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن . الذریعه الي تصانیف الشیعه . نجف - تهران :
اسلامیه، 1315-1359، 28 ج :ص 9/636.
5- ابراهیمی، جعفر [و دیگران] . هزار سال شعر فارسی، تهران : کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان، 1366 :ص 309-319.
6- اته، هرمان . تاریخ ادبیات فارسی . ترجمه صادق رضازاده شفق . تهران : بنگاه ترجمه و
نشر کتاب، 1337 :ص 89 : 195-196، 20 [نمایه پایانی کاستی دارد].
7- اخوان ثالث، مهدی م . امید . (بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج . تهران :
بزرگمهر، زمستان 1369 « چاپ 2 : ص 124، 369، 526.
8- اسماعیل پاشا البغدادي . اسماء المؤمنین و آثار المصنّفین . استانبول: 6، 1951 :ص
475. برگرفته از خیامپور).
9- اعظمی راد، گنبد دردی . مسمط در شعر فارسی . تهران : امیرکبیر، 1366 :ص 82.
10- افتخار زاده واعظ، جلال الدین . اشک‌ها و شادی‌ها . تهران : امیرکبیر، شهریور 1342 :
ص 386، 417.
11- امیرپازواری [منسوب به] ..کنز الاسرار مازندرانی . از روی چاپ دارن و محمد
شفیع مازندرانی . با مقدمه منوچهر ستوده و محمد کاظم گل باباپور . تهران : خاقانی : بابل گل
باباپور، 1337-1349، ج :ص 131.
12- امین‌الدوله، علی . سفرنامه امین‌الدوله . به کوشش اسلام‌کاظمیه . تهران : توس، 1354 :
ص 94.

- 13 - انجو شیرازی. جمال الدین حسین. فرهنگ جهانگیری. ویراسته رحیم عفیفی. مشهد: دانشگاه مشهد، 1354-1351، ج: ص 2577.
- 14 - انجوی شیرازی، ابوالقاسم. سفینه غزل. تهران: جاویدان، 1367 « چاپ 5 : » ص 132، 137، 310.
- 15 - اویسی، فضل الله. گلبنانگ اویسی. تهران: بی‌نا، 1344. ص: 72، 93، 115، 123، 151، 176، 171، 182، 190، 199، 246، 251، 254، 255، 269، 301، 352، 390، 431، 439، 463، 466، 467، 485، 489، 547، 567، 575.
- 16 - ایمان، رحم علی خان. تذکره منتخب اللطایف. به اهتمام محمد رضا جلالی نائینی؛ امیرحسن عابدی. تهران: بی‌نا، 1349. ص: 263-264.
- 17 - باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. نای هفت بند. تهران: عطائی، 1350. ص: 341.
- 18 - باقرزاده، علی بقا (لطیفه‌ها). مشهد: باستان، 1343. ص: 86، 127، 224، 339-338. [نمایه‌ی پایانی کاستی و خطا دارد].
- 19 - براون، ادوارد گرانویل. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه علی پاشا صالح و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ؛ ابن سینا، مروارید، 1369-1335، ج: ص 2/387-388؛ 4/173، 230، 235-236، 246.
- 20 - بهار، محمدتقی ملک الشعراء. (بهار و ادب فارسی. به کوشش محمد گلبن. تهران: کتاب‌های جیبی؛ فرانکلین، 1351، ج: ص 2/138).
- 21 - بهار، محمد تقی ملک الشعراء. (سبک شناسی. تهران: کتاب‌های پرستو امیرکبیر)، 1355 « چاپ 4 » ج: ص 3/255. [نمایه پایانی کاستی دارد].
- 22 - بهروزی، محمد جواد. تقویم تاریخی فرهنگی، هنری 2500 ساله شاهنشاهی ایران. شیراز: اداره کل آموزش و پرورش استان فارس؛ کانون تربیت، مهر 1350. ص: 522.
- 23 - بیانی، مهدی. احوال و آثار خوش نویسان؛ نستعلیق نویسان. تهران: دانشگاه تهران، 1348، ج: ص 2/333.
- 24 - بیدل دهلوی، عبدالقادر. مثنوی محیط اعظم. به تصحیح و تحشیه یوسفعلی میرشکاک. تهران: برگ، تابستان 1370. ص: 12.
- 25 - پرتوی آملی، مهدی. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم. تهران: سنائی، زمستان 1369 « چاپ 2 »، ج 2 ص 532.
- 26 - پیران، منوچهر. مازندران چهارمین کنفرانس آموزشی-سرتاسری راهنمایان. فرهنگ کشور. بابل. 22 تا 28 شهریور ماه 1354. ساری: اداره کل فرهنگ و هنر استان مازندران، 1354. ص: 7.
- 27 - تقوی، میرشیرعلی قانع. (تذکره مقالات الشعراء. یا مقدمه و... حسام الدین راشدی. کراچی: انجمن ادبی سندهی، 1975: 373-375، 718، 828).
- 28 - تجلی‌پور، مهدی. دایره‌المعارف موضوعی دانش بشر. تهران: امیرکبیر، 1349. ص: 1234.
- 29 - تجلیل، جلیل. نقش بند سخن یا مجموعه مقالات ادبی. دفتر اول. (تهران: اشراقیه، زمستان 1368. ص: 159).
- 30 - تیموری، مرتضی. غزلیات جاویدان پارسی. یا مقدمه جلال الدین همائی. اصفهان: شهریار، 1344. ص: 361-362.

- 31 جمالزاده، محمدعلی. فرهنگ لغات عامیانه به کوشش محمد جعفر محبوب. تهران: فرهنگ ایران زمین، 1341: ص 17.
- 32 جهانبانی، محمد حسین. گلچین جهانبانی. تهران: ابن سینا، بهمن 1343 « چاپ 4: ص 212، 65، 245، 254، 276، 280، 300، 350، 409، 424، 465-466، 473، 496، 526، 535، 558، 598.
- 33 جهانگیر گورکائی، نورالدین محمد. جهانگیر نامه. بوزک جهانگیری به کوشش محمد هاشم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1359: ص 324.
- 34 حسینی میرحسین دوست سنبهلی. تذکره حسینی. لکنو؟، 1292: ص 199-198. برگرفته از خیامپور).
- 35 حقیقت، عبدالرفیع رفیع. (تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، 1365-، ج: ص 25-24/4، 229-238، 260، 368، 31؛ 5/7.
- 36 حقیقت، عبدالرفیع رفیع. (فرهنگ شاعران زبان پارسی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اسفند 1368: ص 367-366.
- 37 حقیقت، عبدالرفیع رفیع. (نگین سخن. تهران: علمی، 1350-، ج 6: ص 1/106، 191، 82، 2/432، 427، 442؛ 4/106؛ 5/210.
- 38 حکیمیان، ابوالفتح. فهرست مشاهیر ایران. جلد دوم: ش-ی. تهران: دانشگاه ملی ایران، 1357: ص 111.
- 39 حماسیان، حسین صابر کرمانی. (سیمای شاعران. تهران: اقبال، بهمن 1344: ص 225-224.
- 40 خاتمی، احمد. سبک هندی دوره بازگشت. تهران: بهارستان، 1371، ص 15، 17، 40، 27-38، 55.
- 41 خیامپور، عبدالرسول تاهباززاده. (فرهنگ سخنوران. تبریز: بی‌نا، آبان 1340: ص 350.
- 42 خیامپور، عبدالرسول تاهباززاده. (فرهنگ سخنوران. تهران: طلایه، 1372-1368، ج 2: ص 580-579/2.
- 43 دایره‌المعارف فارسی. به سرپرستی غلامحسین مصاحب. تهران: کتاب‌های جیبی؛ فرانکین، 1345-، ج: -؛ 1/1236؛ 2/1610، 1827.
- 44 درخشان، مهدی. بزرگان و سخن‌سرایان همدان. بی‌جا: بی‌نا، 1341، ج 2: ص 1/317، 320.
- 45 درویش، م. مشاعره. تهران: جاویدان، [1343]: ص 53، 70، 282-283.
- 46 دشتی، علی. نگاهی به صائب. تهران: اساطیر، 1364 « چاپ 3: ص 57، 98.
- 47 دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا، 1364، ج 50: ص 33/44.
- 48 رازانی، ابوتراب. شعر و موسیقی و ساز و آواز در ادبیات فارسی. تهران: وزارت فرهنگ، 1342: ص 434.
- 49 رازی، عبدالله. تاریخ کامل ایران. به تصحیح کاظم کاظم‌زاده ایرانشهر. تهران: اقبال، آبان 1347 « چاپ 4: ص 464-465.
- 50 راشدی، حسام‌الدین. تذکره شعرای کشمیر. تذکره کشمیر از محمد اصلح میرزا. (کراچی: ؟، 1346: ص 675، 728. برگرفته از خیامپور).

- 51 رزمجو، حسین. انواع ادبی و آثار آن در ادبیات فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی، 1370: ص 30.
- 52 رضا زاده شفق، صادق. تاریخ ادبیات ایران. شیراز: دانشگاه پهلوی، 1352: ص 558، 577.
- 53 رضائزاد، غلامحسین نوشتین. (اصول علم بلاغت در زبان فارسی. تهران: الزهراء، پائیز 1367: ص 210، 214، 216، 222-221، 273، 313-314، 319-321، 327-326، 343، 344-336، 359، 361-362، 370-371، 418، 428.
- 54 رضائی، عبدالعظیم. تاریخ ده هزار ساله ایران. تهران: اقبال، پائیز 1368 « چاپ 2»، 4: ج 4: ص 4/69.
- 55 رضوی نژاد صومعه سرائی، میرابوطالب. چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی. تهران: تهران، زمستان 1369: ص 610-611.
- 56 رسکا، یان، کلیما، اتاکار و ایرژی بچکا. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: گوتنبرگ، جاویدان خرد، 1370: ص 436.
- 57 ریسکا، یان و دیگران. (تاریخ ادبیات ایران. از دوران باستان تا قاجاریه. ترجمه عیسی شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1354: ص 477.
- 58 زرین کوب، عبدالحسین. با کاروان حله. تهران: آریا، 1343: ص 303.
- 59 زرین کوب، عبدالحسین. سیری در شعر فارسی. تهران: نوین، 1363: ص 115-379، 114، 378.
- 60 زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، « چاپ 3»: 261.
- 61 زمانی شهمیرزادی، علی. شعرای گرگان و مازندران. بی‌جا، بی‌نا، تابستان 1371: ص 172.
- 62 رهنابی، محمدرضا. شخصیت‌های نامی ایران. تهران: پدیده، 1347: ص 303.
- 63 سجادی، ضیاءالدین بصری، طلعت. برگزیده در دری. تهران: آرمان، 1356 « چاپ 2»: « ص 22.
- 64 سدارنگانی، هرامل. پارسی‌گویان هند و سند. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1345: ص 87-83.
- 65 سرخوش، محمد افضل. کلمات الشعراء. لاهور: «؟»، 1942: ص 69. برگرفته از خیامپور).
- 66 سقزاده واعظ،؟. مشاعر. با مقدمه و تصحیح غلامحسین جواهری وجدی. تهران: احمد علی، فروردین 1340: ص 46، 67، 341.
- 67 سهیلی، مهدی. گنجینه سهیلی. تهران: امیرکبیر، 1341 - از ج 1 تا 3 دیده شد: (ص 12/80، 1، 154، 287، 291، 294، 364، 416، 431، 442، 446، 496، 521، 561، 565؛ 25-26/3).
- 68 سهیلی، مهدی. مشاعر. تهران: امیرکبیر، 1345 « چاپ 2»: « ص 29، 39، 88، 90، 129، 201، 177، 202، 315-316.
- 69 سهیلی، مهدی. 1100 غزل هماهنگ. تهران: پوپک، مرداد 1366: ص 216، 228، 537.
- 70 شایان، عباس. مازندران. تهران: علمی، پائیز 1364 « چاپ 2»: « ص 275-277.

- 71 شبلی، نعمانی. شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران. ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، 1368 « چاپ 3 »، 5 ج. ص: 3/5، 17، 20، 158-139، 164، 173، 181، 176-180، 4/47، 160، 164، 5/22-23، 28، 66، 71، 122، 141.
- 72 شعاعی، حمید. امثال شعر فارسی. تهران: گوتنبرگ، 1351. ص: 6، 19، 36، 42، 46، 60، 76، 65، 94-96، 144، 301، 311، 337، 372، 523، 536، 543-540، 540، 550، 574، 607.
- 73 شفيعي كدكني، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه، 1366. ص: 85، 229.
- 74 شمس لنگرودي، محمد. گردباد شورجنون. تهران: چشمه، تابستان 1366. ص: 98، 124، 135-134. [نام درست وي محمد تقی جواهری است].
- 75 شميسا، سيروس. بیان. تهران: فردوس مجید، 1370. ص: 141.
- 76 شمیم، مظفر حسین. شعر فارسی در هند و پاکستان. تهران: اقبال، مرداد 1349: ص 84-83.
- 77 صائب تیريزي. کلیات صائب تیريزي. با مقدمه محمد عباسی. تهران: طلوع، بی تا: ص 153، 11، 201، 224، 341، 486، 494، 507، 568، 571.
- 78 صبور، داریوش. آفاق غزل فارسی. تهران: پدیده، 1355. ص: 576، 586، 700.
- 79 صدیق، محمد صدیق حسن خان بهادر. شمع انجمن. هند: ؟، 1293. ص: 274-272. برگرفته از خیامپور).
- 80 صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوسی، 1364-، تاکنون 5 جلد منتشر شده است: (ص 5/58، 113، 126، 465، 487، 491، 521، 523، 532، 536، 538، 548، 559، 569-560، 573-574، 598-599، 606، 630، 1069-1056، 1103، 1150، 1194).
- 81 صفا، ذبیح الله. خلاصه تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران تا پایان عهد صفوی. تهران: امیرکبیر، 1356 « چاپ 2: » ص 277.
- 82 صفا، ذبیح گنج سخن. تهران: دانشگاه تهران، 1355، 3 ج. ص: 3/85-91.
- 83 صفاری، فتح الله. شکوفه هائی از ادبیات مازندران. بی جا: بی نا، 1347. ص: 52-53.
- 84 صمدی، حسین. کتابنامه مازندران. ساری: سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، 1372. ش: 3516، 3507، 3482، 3610، 3613، 3815-3961، 4225-4227، 4294، 4298، 4313، 4952.
- 85 طالعی نیا، محسن. در جستجوی دوست. تهران: فتنی، شهریور 1368 « ویرایش 2: » ص 113.
- 86 عبدالحی بن فخرالدین حسنی. نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر. حیدرآباد دکن: دائره المعارف عثمانیه، 1962-1981 « چاپ 2 »، 8 ج. ص: 5/188-189.
- 87 عقیقی، رحیم. مثلها و حکمتها در آثار شاعران سوم تا یازدهم هجری. تهران: سروش، 1371. ص: 2-4، 6، 11-15، 19-23، 25، 27، 29، 32، 35، 37، 40-42، 44-48، 50. و در بیشتر صفحه های بعد).
- 88 علامه، مصصام الدین. یادگار فرهنگ آمل. آمل: اداره فرهنگ آمل، 1328. ص: 231-320.

- 89 عمادي، اسدالله. شعر امروز مازندران. ساري: فرهنگ كده، 1371. ص: 14-15.
- 90 غياث‌الدين محمد رامپوري. غياث‌الغات. به كوشش محمد دبیر سياقي. تهران: كانون معرفت، بي‌تا، 2 ج: ص: 1/168.
- 91 فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبي. تذکره میخانه. تهران: اقبال، 1363 « چاپ 4 : » ص: 9، 293، 305، 442، 509، 537-538، 545-570، 824، 872.
- 92 فرخ، محمود. سفینه فرخ. مشهد: زوار، 1346 « چاپ 2 »، 2 ج: ص: 2/373، 438.
- 93 فرزانه، محسن. خيام شناخت. تهران: بي‌نا، 1353. ص: 93.
- 94 فلاح، غلام فاروق. موج اجتماع سبک هندي. مشهد: ترانه، تابستان 1347. ص: 49-48، 66، 59، 69، 72، 78-81، 92، 107، 119-121، 1237، 127-128، 131-130.
- 95 قدرت‌اله گوپاموي، محمد. تذکره نتایج الافکار. بمبئي: اردشير خاضع، 1336. ص: 438-441.
- 96 کرمي، احمد. مشاعره احمد. تهران: بما، 1362. ص: 59، 69، 95، 123، 131، 136-135، 146، 164، 181، 200، 204، 215، 234-235، 239، 252-253، 258، 260، 262، 264، 271، 290، 293، 343، 348، 350، 367، 370، 373، 375، 381، 413.
- 97 کرمي، احمد. مشاعره رباعي. تهران: بما، 1368. ص: 21، 39، 58، 61-62، 71، 80، 83، 109، 123، 135، 151، 156، 171، 173، 174، 198، 212، 214، 226، 257، 265، 268، 284.
- 98 کزازی، میرجلال‌الدین. در دریای دري. تهران: مرکز، 1368. ص: 49، 246-245.
- 99 کيا، زهرا خانلري. (فرهنگ ادبيات فارسي. تهران: بنياد فرهنگ ايران، 1348. ص: 323.
- 100 گلچين معاني، احمد. تاريخ تذکره‌هاي فارسي. تهران: دانشگاه تهران، 1350-1348. 2 ج: ص: 1/22، 111، 119، 522، 584، 2/89، 95، 522، 854] نمايه پایانی کاستي دارد.
- 101 گلچين معاني، احمد. تذکره پيمان. ذیل تذکره میخانه. مشهد: دانشگاه مشهد، اردیبهشت 1359. ص: 3، 529.
- 102 گلچين معاني، احمد. فرهنگ اشعار صائب. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگي، 1364-1365، 2 ج: ص: 2/ پانزده.
- 103 گلچين معاني، احمد. کاروان هند. مشهد: آستان قدس رضوي، 1369، 2 ج: ص: سي‌وسه، 158، 419-420، 441، 441، 555، 612-613، 623، 672، 742، 758-783، 785، 841، 971، 990، 1032، 1081، 1098، 1114، 1187، 1192، 1267، 1279، 1293، 1432.
- 104 گلچين معاني، احمد. مضامين مشترك در شعر فارسي. تهران: پازنگ، زمستان 1369. ص: 7، 46، 58، 74، 108، 138، 228، 254.
- 105 گورگين، تیمور. امروز چه‌کسي مي‌تواند شاعر باشد. تهران: آتروپات: ممتين، 1349. ص: 84.

- 106 - لاهوري، يمينا خان. تاريخ شعر و سخنوران فارسي در لاهور. كراچي: تيشنل پبلشنگ هاوس ستيد، اكتوبر 1971. ص: 269، 270-271، 274-275، 314.
- 107 - لكهنوي، آفتاب راي. تذکره رياض العارفين. به تصحيح حسام الدين راشدي. اسلام آباد مرکز تحقيقات فارسي ايران و پاكستان، 1361-1355، ج 2: ص 1/410.
- 108 - مايل هروي، نجيب. نقد و تصحيح متون. مشهد: آستان قدس رضوي، فروردين 1369: ص 91.
- 109 - مدبري، محمود. فرهنگ كتابهاي فارسي از قرن چهارم تا 1300 ه. ش. تهران: ويس، 1364، ج 2: ص 9، 388، 513.
- 110 - مدرس تبريزي، محمد علي. ريحانه الادب في تراجم المعرفين بالكنيه واللقب: تهران: خيام، 1369 « چاپ 3 »، ج 8: ص 4/17-18.
- 111 - مرداني، نصراله. ستیغ سخت. تهران: سمت، تابستان 1371: ص 163.
- 112 - معيري، رهي. گلهاي جاويدان. تهران: بيك فرهنگ، 1371 « چاپ 3: » ص 244-239، 532.
- 113 - معين، محمد. فرهنگ فارسي معين. تهران: اميركبير، « چاپ 4 »، ج 6: ص 5/1064.
- 114 - مغلون كي ملك الشعرا. الله آباد: ؟، 1977: ص 79-152 به زبان اردو.
- 115 - ملكي، حسين. گلزار ادب. تهران: اميركبير، 1364: ص 318، 330، 342، 410، 610، 637.
- 116 - منزوي، احمد. فهرست مشترك نسخههاي خطي فارس پاكستان. جلد 9 « منظومهها ». « اسلام آباد: مركز تحقيقات فارسي ايران و پاكستان، 1367: ص 2160-2161. [برگزیده مکتبشناسی].
- 117 - منير لاهوري، ابوالبركات؛ آرزو، سراج الدين علي خان. كارنامه سراج منير. با مقدمه و... محمداكرم اكرام. (اسلام آباد: مركز تحقيقات فارسي ايران و پاكستان، 1356: ص 4، 14-18، 24-25، 28، 30، 36، 43، 52، 67-68، 81.
- 118 - مؤتمن، زين العابدين. تحول شعر فارسي. تهران: طهوري، 1352 « چاپ 2: » ص 175، 354، 349، 357.
- 119 - موسوي، رحمت. باران رحمت. تهران: علمي، 1345: ص 71-72.
- 120 - مؤيد محسني، حسام الدين. گزيده اشعاري از شعراء. تهران: پارسا، 1369: ص 300، 630.
- 121 - مهجوري، اسمعيل. دانشمندان و رجال مازندران. به كوشش هدايت الله مهجوري. بي جايي نا، 1353: ص 127-130.
- 122 - مهرين، عباس (شوشترى). تاريخ زبان و ادبيات ايران در خارج از ايران. تهران: بي تا، 1352: ص 99.
- 123 - مهرين، مهرداد. گنجينه فرهنگ و علم دايره المعارف. تهران: جاويدان، 1363 « چاپ 2: » ص 574، 621.
- 124 - نام آوران ايران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي. دفتر پژوهشها و برنامه ريزي فرهنگي، 1367: ص 567-569.
- 125 - نجف زاده بار فروش، محمد باقر (م. روجا). واژه نامه مازندراني. تهران: بنياد نيشابور، 1368: ص 200.

- 126 نجف‌زاده بارفروش، محمد باقر فرجیان، مرتضی طنز سرایان ایران از مشروطه تا انقلاب تهران: بنیاد، 1369: ص 3/814.
- 127 نصرآبادی، محمد طاهر. تذکره نصرآبادی با تصحیح و مقابله وحید دستگردی. تهران: فروغی، 1361 « چاپ: » 3 ص 223-225.
- 128 نظمی، علی. دویت سخنور « تذکره منظوم و منثور . « تبریز: نویل، 1355: ص 207-209.
- 129 نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی. تا پایان قرن دهم هجری. تهران: فروغی، 1344، 2 ج: ص 1/690.
- 130 نقوی، علیرضا. تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان. تهران: علمی، 1343: ص 182، 176-181، 207، 433، 497، 682.
- 131 نواب صفا، اسماعیل. کاروان شعر. با مقدمه فخرالدین شادمان. تهران: صفی‌علیشاه، دی 1342: ص 156-158.
- 132 هدایت، رضا قلی. فرهنگ انجمن آرای ناصری. تهران: اسلامی، بی تا [از روی چاپ 1288 ه. ق:] ص 721-722.
- 133 هدایت، محمود. گلزار جاویدان. تهران: بی‌نا، 1353، 3 ج: ص 835-836.
- 134 هومند، نصرالله. پژوهشی در زبان تبری = مازندرانی. (آمل: کتابسرای طالب آملی، 1369: ص 6.
- 135 یوشیج، نیما. نامه‌ها. گردآوری سیروس طاهباز. تهران: دفترهای زمانه، 1368: ص 279، 272، 296-294، 371، 378-379.

کتابشناسی افسانه امیر پازواری

سروده‌ها - چاپی (کتاب)

- صد ترانه امیر پازواری فولکلور مازندران (1). گردآوری و ترجمه محسن مجیدزاده (م. م. روجا). تهران، بی‌نا، 229 ص.
- کتاب‌کنز الاسرار یا دیوان امیر پازواری. به‌کوشش اردشیر برزگر. بی‌جا، بی‌نا، 1334، 32 ص.
- کنز الاسرار مازندرانی. به‌تصحیح برنهارد دارن؛ محمد شفیع مازندرانی. پترزبورگ: 1277-1283، 2 ج (7+164 و 580 + کج + 7 ص).
- کنز الاسرار مازندرانی. از روی چاپ دارن. با مقدمه منوچهر ستوده؛ محمدکاظم گل‌باباپور. تهران: خاقانی: گل‌باباپور، 1337-1349، 2 ج (7 + 160 + 17 + 14 + [8] + 580 + کج + 7 ص).

درباره زندگی و سروده‌های او 1- کتاب

- مجیدزاده، محسن (م. م. روجا). امیر پازواری و شعر و موسیقی. تهران: بی‌نا، تابستان 1372، 64 ص.

2- پایان‌نامه تحصیلی (رساله)

- آل‌رضا امیری، محمد حسن. امیر پازواری و آثارش. مشهد: دانشگاه مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، 1354 - 1355، 140 ص. (لیسانس).
- نجفی عمران، محمد علی. تصحیح قسمتی از دیوان امیر پازواری مازندرانی. تبریز: دانشگاه آذربایجان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، 1339-1340، صفحه‌شمار مختلف. (لیسانس).

سروده‌های خطی منسوب به‌وی

- تهران، دانشگاه تهران-2446: [در جنگ]. نستعلیق سده 11. مجموعا 415 گ 17 س. [ف. دانشگاه 9: 1142] (خطی).
- تهران، -7378: [در جنگ ص 494، 3 رباعی اوست]. نستعلیق و نسخ سده 12، مجموعا 433 گ 20 تا 30 س. [همانجا: 535].
- تهران، مجلس - 291 (ش ثبت‌قدیم 44655 جدید (5471): [منتخب دیوان در بخش 48 مجموعا از 1378 - 1381]. به‌چند قلم نستعلیق. شکسته و نسخ با تاریخ‌های 1098 و 1201. مجموعا 1457 ص. سطر مختلف. [ف. مجلس 21: 283].

- تهران، دانشگاه تهران - 4354: [در جنگ. ص 26. جنگ بخش 10 مجموعه است].
نستعلیق اوایل سده 13 (1200 - 1236). مجموعاً 194 گ 22 س. [ف. دانشگاه 13:
3311].
- شوروی، بنیاد زبان‌های خاوری-6: [دیوان. در مجموعه چند دیوان و قصه] با تاریخ‌های
1024، 1246 و 1251. [نسخه‌های خطی 10 : 238].
- تهران، سپهسالار-2913/36: [در جنگ. بخشی از دیوان او است. از ص 554-
564]. بدون ذکر نام‌کاتب و تاریخ. مجموعاً 450 گ 22 س. [ف. سپهسالار 4: 473].
- شوروی، بنیاد زبان‌های خاوری-19: [دیوان]. بدون ذکر مشخصات نسخه.
نسخه‌های خطی 10: 337].
- شوروی، موزه آسیایی-A947: اشعار امیر و شرح تفصیلی مجموعه اشعار
او. [نسخه‌های خطی 7: 7].

مقاله

- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. امیر پازواری شاعر گنجینه رازهای مازندران. آینده، 18، ش 1-
6 (فروردین - شهریور 1371): 26-33. * پژوهشنامه علمی-فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی
و احد بابل، 1، ش 1 (زمستان 1372): 38 - 48.
- بصاری، طلعت. امیر پازواری. تشریح دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، 28، ش 118 (تابستان 1355): 157 - 208.
- خداپرست، علی‌اکبر. امیر پازواری و شعرهایش. کتاب فصل، ش 2 و 3 (بهار و تابستان 1359): 33-39.
- رئیسی، گلبرار. مشاهیر مازندران: سیری در زندگانی امیر مازندرانی. جمهوری
اسلامی (1372/9/21): 12.
- رستگار ساروکلائی، بهروز. امیر پازواری؛ شاعری عارف. روزنامه
اطلاعات (1366/8/7): 2 و ویژه‌مآزندان. * روزنامه اطلاعات (1367 8/ 25): 13.
- سعیدی کیاسری، هادی. بومی سرود: 1- شیخ‌العجم امیر پازواری. شعر، 1، ش
1 (فروردین 1372): 68 - 71.
- سورتیجی، فخرالدین. امیر، شاعری از دشت پازوار. اثر، 26، ش 1287 (1354/8/17):
5. * تشریح دانشسرای راهنمایی تحصیلی ساری، 1، ش 1 (بهمن 1356): 2 - 6.
- شاعر سرزمین آب‌ها و سبزی‌ها. شعری از امیر پازواری. [مختصری از زندگی و
شعر او]. اطلاعات هفتگی، ش 2415 (1367/9/23): 35.
- صمدی، حسین. نامداران مازندران - امیر پازواری. گیله‌وا، 2، ش 15 (آبان و آذر 1372)
39:
- صمدی، حسین. واژه‌های مازندرانی در فرهنگ انجمن آرای ناصری و آندراج. [نقدی
بر چند سروده منسوب به امیر آمده در کتاب]. گیلان‌زمین، 1، ش 1 (تابستان 1373): 59-63
و ش 2 - 4 (پاییز 73 - بهار 1374): 73 - 76. [پایان نیافت].
- عمادی، اسدالله. امیر پازواری: بزرگترین شاعر تبری گوی مازندران. گیله‌وا، 3،
ش 22 و 23 (تیر و مرداد 1373): 34-36 و ش 24 و 25 (شهریور و مهر): 14-16.
- گل‌باباپور، محمدکاظم. نقدی درباره مطلب: امیر پازواری شاعر و عارف
مازندرانی. [نقد مقاله‌ای از نجف‌ادگار فروش]. صحیفه، ش 34 (بهمن 1364): 38 - 40.

- میشری، لطف‌الله. **آهنگ امیری مازندرانی**. موسیقی، 3، ش 17 (دی 1336): 71 - 77.
- مقدری، محمدتقی. **شاعری از دیار ما**. سالنامه اداره آموزش و پرورش بابل (مهر 1344): 91.
- میرموسوی، محمد. **امیر شاعر محلی‌سرای مازندران**. گلچرخ، ش 10 (1364/10/17): 15.
- نجف‌زاد مبارفروش، محمدباقر. **امیر پازواری شاعر و عارف مازندرانی**. صحیفه، ش 33 (دی 1364): 18 - 21.
- نوزاد، فریدون. **گیلان در شعر امیر پازواری**. گیلما، 1، ش 5 (آبان 1371): 16 - 17.
- هنری‌کار، بیژن. **سیمای امیر پازواری در آئینه نیمای یوشی**. ری را (یادواره صدمین سال تولد نیمایوشیج). به‌کوشش عباس قزوینچاهی. تهران، انتشارات معین، 1376: 186-202.

پراکنده در کتاب‌ها

- آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن. **الذریعه الی تصانیف‌الشیعه**. نجف، تهران: اسلامیه، 1315-1359، 28 ج: 100/9.
- ارانسکی، ای. م. **مقدمه فقه‌اللغة ایرانی**. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام، 1358: 318.
- استانداری مازندران. **مازندران در بزرگداشت جشن شاهنشاهی ایران**. ساری: 1350: 318.
- براون، ادوارد گرانویل. **تاریخ ادبیات ایران**. ترجمه علی پاشا صالح و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ؛ ابن سینا؛ مروارید، 1335 - 1369، 4 ج: 130/1.
- بهار، محمدتقی (ملك الشعراء). **بهار و ادب فارسی**. به‌کوشش محمد گلین. تهران: کتاب‌های جیبی؛ فرانکلین، 1351، 2 ج: 125/1.
- بهار، محمدتقی (ملك الشعراء). **سبک‌شناسی**. بخش یکم دفتر چهارم. به‌کوشش علی‌قلی محمودی بختیاری. تهران: علمی، 1342: 80.
- بهار، محمدتقی (ملك الشعراء). **شعر در ایران**. تهران: گوتمیرگ، 1333: 71.
- پادشاه، محمد (شاد). **فرهنگ آندراج**. زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام، 1335، 7 ج: 1018/2، 1612، 2508/3، 4573/7.
- پاینده، محمود. **فرهنگ گیل و دیلم**. تهران: امیر کبیر، 1366: 7، 604، 611.
- پرتوی آملی، مهدی. **فرهنگ عوام آمل**. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی. مرکز مردم‌شناسی ایران، زمستان 1358: 110، 136 - 150.
- جمالزاده، محمد علی. **فرهنگ لغات عامیانه**. به‌کوشش محمد جعفر محبوب. تهران: فرهنگ ایران زمین، 1341: 17.
- جهانگیری، علی‌اصغر. **کندلوس**. تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری، 1367: 82، 293-345، 294-354.
- حجازی کناری، حسن. **پژوهشی در زمینه نام‌های باستانی مازندران**. تهران: روشنگران، 1372: 30.
- حسین‌زاده، پوران‌دخت. **شهر بابل**. متن کامل سخنرانی... تهران: انجمن دوستداران مازندران، اردیبهشت 1343: 48-94، 49-99.

- خانلری، پرویز نائل. **تاریخ زبان فارسی**. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1348 - 1356، 4 ج : 2/ 33، 27، 42.
- خیامپور، عبدالرسول (تاهباز زاده). **فرهنگ سخنوران**. تهران: طایفه، 1368 - 1372، 2 ج : 1/ 93-92.
- **دایرةالمعارف تشیع**. زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی؛ کامرانفانی؛ بهاءالدین خرمشاهی. تهران: بنیاد اسلامی طاهر، 1366، ج-؛ 521/2 [از حسن انوشه].
- دهخدا، علی اکبر. **لغتنامه دهخدا**. تهران: سازمان لغتنامه دهخدا، 1364، 50 ج: 233/8، 241.
- رابینو، ه. ل. **مازندران و استرآباد**. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1336 : 83، 230.
- رازانی، ابوتراب. **شعر و موسیقی و ساز و آواز در ادبیات فارسی**. تهران: وزارت فرهنگ، 1342: 26.
- رزمجو، حسین. **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**. مشهد: آستان قدس رضوی، 1370، 141، 274:.
- ریپکا، یان؛ کلیما، اتاکار؛ وایرژنی بچکا. **تاریخ ادبیات ایران**. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: گوتمبرگ؛ جاویدان خرد، 1370 : 158-159. [در نمایه‌های پایانی نیامده است].
- ریپکا، یان و (دیگران). **تاریخ ادبیات ایران**. از دوران باستان تا قاجاریه. ترجمه عیسی‌شهابی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356 : 124 - 125.
- زمانی شهمیرزادی، علی. **شعرای گرگان و مازندران**. تهران: بی‌نا، تابستان 1371: 43-44.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. **شعر بی دروغ، شعر بی نقاب**. تهران: ابن سینا، 1346 : 175.
- شایان، عباس. **مازندران**. تهران: علمی، پاییز 1364 «چاپ 2» : 283 - 287.
- صفاری، فتح‌الله. **شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران**. بی‌جا، بی‌نا، 1374 : 3-5.
- صمدی، حسین. **کتابنامه مازندران**. ساری: سازمان برنامه و بودجه استان مازندران، 1372، 2 ج: شماره‌های 4863، 4873 - 4883، 4889، 4911، 4926، 4951، 4972، 4974.
- طاهباز، سیروس. **یوش (مونوگرافی)**. با مقدمه جلال آل احمد. تهران: معاصر، زمستان 1362 «چاپ 2» : 63 - 67، 85، 89 - 92.
- عسگری، علی‌بابا. **بهشهر (اشرف‌البلاد)**. بهشهر: شورای جشن‌ها...، 1350: 262، 264-265.
- علامه، صمصام‌الدین. **یادگار فرهنگ آمل**. آمل: اداره فرهنگ آمل، 1328 : 225-227.
- عمادی، اسدالله. **شعر امروز مازندران**. ساری: فرهنگ‌کده، 1371 : 9 - 14، 11 - 15.
- کسروی، احمد. **بهانیگری، شیعیگری، صوفیگری**. کلن: مهر، ژانویه 1996: 249-250.
- کسروی، احمد. **زندگانی من**. تهران: بپیمان، 1325 «چاپ 2» : 136.
- کیا، محمد صادق. **واژنامه طبری**. تهران: دانشگاه تهران؛ ایران‌کوده، 1327: 19-22، 210، 125، 244. [بر پایه نصاب طبری امیر مازندرانی].
- مجتهدزاده، پیروز. **شهرستان نور**. (بررسی جغرافیایی-تاریخی-اقتصادی و اجتماعی). تهران: بی‌نا، 1352: 39، 96.

- مشار، خانبابا. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی. تهران: بی‌نا، 1350 «چاپ 2» ج: 4/4146.
- مشار، خانبابا. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی. تهران: بی‌نا، 1340-1344، ج: 6/668/1.
- ملگونف، گ. سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر. تصحیح مسعود گلزاری. تهران: دادجو، 1364: 116، 132-133.
- ملگونف، گریگوری ولریانویچ. کرانه‌های جنوبی دریای خزر. ترجمه امیر هوشنگ ربیعی. تهران: کتابسرا، 1376: 228، 245-247.
- منزوی، احمد. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، جلد 9 «منظومه‌ها». اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، 1365: 1995.
- مهدوی شه‌میرزادی، مهدی (شوپه). شکوه با سنگ. مجموعه اشعار؛ جلد اول: 1335-1364. سوئد: بی‌نا، بهار 1990/1369: 221-220.
- نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (م. روجا). واژه‌نامه مازندرانی. تهران: بنیاد نیشابور، 1368: 31-32، 55-57، 92.
- نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تا پایان قرن دهم هجری. تهران: فروغی، 1344، ج 2: 340.
- نوج (جوانه). به‌کوشش محمود جوادیان کونتایی. تهران: معین؛ با همکاری فرهنگخانه مازندران، 1375: 8، 10، 17-18، 21-27، 33، 93، 121، 138، 142.
- هدایت، رضا قلی. ریاض‌العارفین. به‌کوشش مهر علی گرگانی. تهران: کتاب‌فروشی محمودی، بی‌تا: 55.
- هدایت، رضا قلی. فرهنگ انجمن آرای ناصری. تهران: اسلامیه، بی‌تا [از روی چاپ 1288 ه.ق]: 256، 334، 483، 591، 748.
- هومند، نصرالله. پژوهشی در زبان تبری (= مازندرانی). آمل: کتابسرای طالب آملی، 1369: 8-10، 73-74، 86.
- یوشیج، نیما. نامه‌ها. گردآوری سیروس طاهباز. تهران: دفترهای‌زمانه، 1368: 295، 306، 402، 350، 424.
- * در: امیر پازواری از دیدگاه پژوهشگران و منتقدین. اسفند 1376: 165 - 174.

امیر پازواری بر ساخته بر جا

«به‌آنان که با دریا، رود و ماهی سر و کار دارند»

پیشاپیش باید گفت که این نوشته، یاد مانده‌های اندیشه‌ای است که همه، جز دو گفتار چاپ‌شده نگاه یادآوری به‌دیوار سفید، در سرزمین جایی مانده است. برای همین می‌توان گفت آنچه می‌آیدنگاهی گذرا به‌دو پدیده:

1- برگزاري نشست‌های فرهنگی، هنری، -2 گزارشی درباره افسانه‌ی امیر پازواری، است، نه آنچه که روزگاری بخشی بر کاغذ آمده بود.

گذر زمان درنگی داد که دیگر بار به‌بانه‌ای دلخواسته یعنی نام‌آوران تبرستان -اندیشه‌هایی از نهانخانه یادها به‌در آید، شاید بتوانند جایگاه خود را باز یابند. بر پژوهشگران است که به هر بهانه‌برای پالایش و رشد فرهنگ بومی -در چارچوب آرمان والا بکوشند و کژي‌ها را بشناسانند.

پیش از این در جایی آمد که باید به هر گونه که‌در توان است گزارش‌هایی هر چند فشرده، اما شایسته، درباره چرایی و چگونگی برگزاري همایش‌های گوناگون فرهنگی و هنری نگاشت، بلکه آیندگان روزگار زیستن ما را در یابند. پیدا است نشستی که اینک به‌بانه سراینده افسانه‌ای مازندران، امیرپازواری، بر پا شده است، نیز سزاوار گزارش است.

برای همین نگارنده این گفتار ناگزیر به‌نوشتن شده است، زیرا گمان دارد به‌دلایل زیادی اکنون چون شاهین ترازو شده‌اند یک سوی نام‌ها و یادمان‌ها و از دیگر سوی نیاز زمان و انسان پیشین و پسین برای همین است که به‌یاد می‌آورد شناخت درست نامداران و گزینش هر یک از آنان برای برگزاري یادواره‌ها، کار چندان ساده‌ای نیست که‌میدان دست یازیم. برای به‌گزینی بزرگان سرزمین درزمینه‌های گوناگون، باید کارنامه آن‌ها را در غربال زمانه سنجید. یکی از نیازهای پایه‌ای، شناسایی درست نام‌آوران، گردآوری و چاپ «فرهنگ نامداران مازندران/تبرستان» از دیرباز تا کنون است. کتابی که نیست و بر پژوهشگران و دوستداران است که با همه‌ی توان و به‌دور از دخالت دیدگاه‌های فردی، گروهی و به‌ویژه فرمانروایان و دولتمردان، برای آفرینش آن گرد آیند.

دیگر این‌که، تاریخ فرهنگی، هنری مازندران در چند دهه پیشین گواه یک سویه‌نگری‌ها در برپایی بسیاری از این همایش‌ها بوده است. باید به‌اندازه توان و دانش کوشید که از این‌گونه شدن گزینش، برگزاري و انتشار دستاورد آن‌ها پرهیز گردد. با پوزش از درازگویی به‌امیری بپردازیم که چون‌شمار زیادی از جایگاه‌های مذهبی، نابوده تندیس گرانی در یادمان‌های فرهنگی، تاریخی مازندران شده است.

درباره امیر پازواری چندان نوشته‌اند که از آن‌ها می‌توان کتاب ساخت، با این همه داشته‌ها، آیانیزی به‌کندوکاو در زندگانی و سروده‌های احتمالی او هست؟

در پاسخ باید گفت با اندکی ژرف‌نگری در زمینه سخنوران تبری‌گویی تبرستان و دریافت این‌نکته برجسته که در بیشتر منابع تاریخ ادب ایران که به‌درستی باید تاریخ ادب فارسی خواند (از سخن‌سرایان این‌گونه، چون دیگر شاعران بومی‌سرای ایران کمتر سخن به‌میان

آمده و آن اندک نیز بی پژوهش درست؛ به روشنی می‌توان گفت این همه آشفته‌گویی برای ساختن یکی و از میان بردن دیگران برای چیست؟ به راستی چرا این همه سکوت و یا کم‌کاری برای زبان تبری/مازندرانی و برجستگی چون دیواره دز/دیواره وز/مسته مرد، مرزبان بن رستم، ابراهیم معینی، هجیم، اسپهبدخورشید مامطیری، باربد جریری، گرد بازو، ابن اسفندیار، قطب رویانی، امیر علی مازندرانی/تبرستانی، افراسیاب چلاوی، میر عبدالعظیم مرعشی، زرگر، نصیر، و به جای آن کژگویی و هذیان‌نویسی برای امیری که نابوده نامیرا شده است؟

در این گفتار کوشش شده است گزارش گذرایی از چگونگی پیدایی امیر و بررسی سروده‌های بر ساخته به او داده شود بلکه افزون بر شناسایی روش‌های نوشتن تاریخ ادب خاک، کژی‌ها را دریافته و در پالایش و زدودن نادانسته‌ها بکوشند.

بر پایه منابع در دست، از سده‌های دور تا سیزدهم ه.ق در هیچ‌یک از نوشته‌های چاپی و نسخه‌های خطی کهن شناسانده شده، نامی از امیر پازواری نیامده است، این نبود از برجسته‌ترین کژی‌هایی است که شمار زیادی آن را برنشمرد و امیر را از روزگار پیشین دانسته‌اند. آورده‌اند که نخستین بار الکساندر خوجکو/خودزکو/شودزکونویسنده دولتمرد لهستانی 1804 - 1891 م (در بررسی‌های زبان‌شناسی شمال ایران سروده مازندرانی را با نام امیر پازواری یاد کرد. از آنجا که هنوز نوشته‌های این چینی و ی به فارسی برگردان و چاپ نشده است نمی‌توان در این زمینه سخن گفت پس از او خاور شناس دیگری به نام یوریس آندرویچ درن، پرآوازه به برنارد درن 1881-1805 م) در پی‌گیری پژوهش درباره ادب و زبان تبری، بر پایه دست‌نوشته‌های کهنه و نو، شنیده‌ها و نیز برداشت‌های خود، برخی از سروده‌های مازندرانی را گرد آورد. در دنباله چند روایت و افسانه‌دین‌باورانه غیر بومی را هم به مازندرانی برگردانید و بر آن‌ها افزود، با این دارایی کتابی به نام «کنز الاسرار مازندرانی» ساخت و به امیر پازواری نسبت داد. تا آنجا که می‌دانیم در میانه کار میرزا محمدشفیع مازندرانی‌بند پنی (از کارکنان دولت ایران در روسیه به کمک او شتافت و بدین‌گونه با اندکی دیگرگونی بخش‌های دیگر فراهم آمد و آماده چاپ گشت. چنین شد که یافته‌های برنارد درن و آکادمی علوم روسیه از بازمانده ده‌ها سده زبان و ادب تبری دستمایه‌ای برای ساختن امیر پازواری و گمراهی دوستداران فرهنگ سرزمین شد. شگفت این‌که نه درن، نه همکارش و نه کس دیگری درباره داستان‌سرایی امیرشان سخنی به میان نیاورده‌اند. گویا درن و دستیارش، چشم‌داشت دیدگامخوانندگان از این چشم‌بندی داشتند و چون کسی سخن نگفت و نوشت، این داستان‌های کوتاه نیز ماندگاری یافت. شگفتی دیگر این‌که جز این قلم، هم‌روزگاران نیز به هر بهانه در این زمینه خاموش مانده‌اند یادآور می‌شود که چند قصه و افسانه کوتاه آمده در کنز الاسرار، همگی غیر مازندرانی و از فرهنگ توده و داستان‌های دینی و ایرانی هستند.

بر پایه آگاهی‌های نویافته، پس از آن درن یادداشت‌هایی درباره چرایی، چگونگی و روش‌گردآوری و چاپ سروده‌ها، زندگی‌نامه امیر و نیز «شرح تفصیلی اشعار او» نوشت و بر آن بود که در مجموعه کنز الاسرار چاپ کند.

در میانه کار چاپخانه آتش گرفته و گویا همه دست نوشته‌ها و چاپ شده‌های این بخش در آتش سوزی نابود می‌شود تا همچنان امیران با نشان و بی‌نشان سرود تبری بی‌شناسنامه مانند امیر افسانه‌ای با این شناسنامه‌های ادبی، زندگانی درازی نزدیک به سیصد سال داشته باشد

به هر رو، اینک آگاهییم که درن نسخه دیگری از همین یادداشت‌ها را به‌پژوهشگر دیگری دادیم و گویا در گذر زمان و به‌دلایل گوناگون فراموشش شد و آن دیگری نیز همچنین پس از آن نه درن و نه دیگر پژوهندگان تاریخ و زبان‌شناسی روسیه، در این زمینه ننوشتند و چاپ نکردند. درن جان دادو آن «شرح تفصیلی» ... چاپ نشد. آن نسخه که در کتابنامه مازندران با شماره 4880 ج 2، ص 589 (بازشناسی شده است، در موزه آسیایی روسیه ش (A947) جای دارد.

یادآور می‌شود از زمانی که این دست‌نوشته شناسانده شد شماری از دوستداران فرهنگ مازندران برای دستیابی به این نسخه به هر گونه میکروفیلم، عکس، ... کوشش بسیار کرده‌اند، اما به سبب همکاری نکردن نهادهای مسئول ایران و روسیه، تا کنون دستاوردی نداشته‌اند.

به هر رو، چنانچه بیشتر آمد جز همان بخش یادشده، دیگر داشته‌های درن و آکادمی علوم روسیه از امیران با نشان و بی‌نشان سرواد تیرستان با دستبرد در نشان‌ها، نام‌ها و ویژگی‌های گوناگون زبان مازندرانی، به نام کنز الاسرار مازندرانی به‌یادگار ماند.

همین دو کتاب سال‌ها بعد، بی‌پژوهش تازه و نیز بی‌دگرگونی در حروفچینی، یک بار با همداستانی منوچهر ستوده و محمد کاظم گل‌باباپور جلد اول تهران: خاقانی، 1337 خ (و بار دوم جلد دوم به دست گل‌باباپور بابل: گل‌باباپور، 1349) چاپ افست شد.

شاید بتوان گفت همزمان با کوشش شرق‌شناسان برای ساختن امیر، در ایران نیز «رضاقلی‌هدایت» دامغانی‌تبار و زاده کوی سنگلج‌تهران در محرم 1215 ه.ق (که به سبب ازدواج دوم مادرش بایکی از شاعران دولتمرد مازندرانی‌شحنه (و به سر بردن بخشی از زندگی در مازندران، با زبان و فرهنگ این دیار آشنایی نزدیک داشت، در دو کتاب ریاض العارفین و فرهنگ انجمن‌آرای ناصری از اوژه‌ها چنان تندیس برجسته‌ای از امیر به دست داد که پس از آن هرگونه گمان همگان از گمان نبود امیر پازواری، بزه‌ای گران و سزاوار کیفر به‌شمار آمد برای آگاهی بیشتر نگ، «ریاض العارفین» به کوشش مهر علی‌گرگانی تهران: کتاب‌فروشی محمودی، بی‌تا: 5»؛ فرهنگ انجمن‌آرای ناصری. «تهران: اسلامیه، بی‌تا: 256، 334، 483، 591، 748».)

بعجا است گفته شود نام و چند سروده بر ساخته به همین امیر در فرهنگ انجمن‌آرا به کتاب محمد پادشاهشاد (با نام «فرهنگ‌آندراج» چاپ هند راه یافت پیدا است دبیر سیاقی استاد ادب‌فارسی در دانشگاه‌ها و همکاری در چاپ این کتاب در ایران نیز این کژي‌ها را نبینند «فرهنگ‌آندراج». «نوشته محمد پادشاهشاد. (زیر نظر محمد دبیر سیاقی تهران: خیام، 1335، 7 جلد.)

پس از هدایت روزگاری نزدیک به پنجاه سال از این امیر در جایی یاد نشد تا این‌که در «الذریعه» 9/100 (آقابزرگ تهرانی و «لغت‌نامه دهخدا» فشرده داده‌های درن و هدایت آمد. در پی آن «امیر»، «امیر گت که» و «امیری» اندک اندک در نوشته‌ها جای خود را به امیر پازواری داد. این جایگزینی چنان با زیرکی و کاردانی پدید آمد که از همه امیران ادب، فرهنگ و هنر سرزمین جز امیر پازواری نماند. یگانه در دانش‌های دشوار فنی، پزشکی، ستاره‌شناسی، موسیقیدان و نوازنده چیرهدست، استاد در زبان‌های عربی، فارسی، مازندرانی و...، عارف، صوفی، شیخ‌العجم و امیر الشعراء، امیری از «سادات مرعشی مازندران»، «خریزمخوری با امام اول شیعیان و شاعر شدن به‌یمن کرامت ایشان، از همراهان «امیر تیمور گورکانی» پس از یورش به مازندران، برجسته‌ترین شاعر دربار شاه‌عباس یکم صفوی مرگ 1038 ه.ق (در مازندران و اصفهان و... این بخشی از نگاره‌های

سرآمدی است که در نو همیارانش ساختند و دیگران آن را پرداخت کردند. درن که از استادان برجسته تاریخ و فرهنگ ایران، در روزگار خود، بود، برای چسباندن گل‌هایی پراکنده امیر چندان مایه نگذاشت، زیرا از جایگاه افسانه و اسطوره نزد ایرانیان آگاهی زیادی داشت خانبابا مشار نیز از افسانه‌سازی به‌دور نماند. وی در مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی 1/668 (بی‌یاد منبع). امیر پازواری را از همراهان سپاه «امیر تیمور گورکانی» مرگ 807 ه. ق (دانست و در دنباله آورد که تیمور از سر خشم وی را از خود به‌دور کرد و به هند تبعید نمود، اما پس از چندی او را بخشید؛ به‌سرزمین مازندران باز آورد و روستای پازوار را به او دهش کرد.

چندان بر نیامد که برخی بر پایه یکی دو سروده آمده در «کنز الاسرار» که در آن‌ها از شاه عباس یکم صفوی یاد شده است، نوشتند که امیر در روزگار سلطنت محمد شاه صفوی در پازوار به دنیا آمد و بالید. هنگامی که پس از سده‌ها یورش فرمانروایان لشکرکش به تیرستان، شاه عباس با دشواری بر آن چیره شد 1006 ه. ق (و برای نشان دادن توانایی خود به تاریخ و هم‌روزگاران، فرح‌آباد و بهشهر کنونی را تختگاه تابستانی و بزمگاه بزرگان ایرانی و بیگانه برگزید، همین امیر یاد شده که شمار زیادی وی را عارف، وارسته و به‌دور از پیرایه‌های ناپسند و دنیا‌گرایانه یاد کرده‌اند، به‌ستایش وی برخاست و به‌دربارش پیوست. پس از آن با شاه به اصفهان رفت و به فرمان همو بر او نام و لقب ادبی و درباری «شیخ العجم» و «امیر الشعراء» نهادند. در دنباله آورده‌اند که پس از مرگ شاه مردم فریب، امیر به «بوله‌کلای پازوار» بازگشت؛ در همانجا زیست و جان سپرد و به خاک سپرده شد. این را «هدایت» نیز نوشته بود که آرمگاهش را همگان می‌شناسند.

شگفت آن‌که در گذر روزگار تتی از دوستداران امیر، برای وی برادرانی به نام‌های کریم و رحیم آفرید و جانشان را ستاند و در کنار امیر به خاک سپرد. جریان ساختن برادران امیر نیز داستانی است. نخستین بار در یکی از برگ‌های روزنامه اطلاعات ویژه مازندران - 7/8/1366 (2) - گفتار کوتاهی بدون نام نویسنده درباره امیر پازواری چاپ شد که در آن از برادران یاد شده، نام برده شد و بدین‌گونه دوستداران فرهنگ سرزمین با کشف نوین آشنا شدند.

چندی نگذشت که همین نوشته در یکی دیگر از شماره‌های همین روزنامه چاپ دوباره شد و این بار نام نویسنده «بهروز رستگار ساروکلای» در روزنامه به خط «ساروکلای» (1367/8/25) - 13 - با چاپ این نوشته، «محمد کاظم گل‌باباپور» همان تجدید چاپ‌کننده کنز الاسرار و یکی از افسانه‌سازان امیر و مازندران (زبان به‌گلایه و انتقاد گشود که این کشف از آن من است و رستگار آن را از من دزدید از آنجا که این داستان، افسانه در خوری نبود کارخانه‌های فکری امیر سازی نیز چندان پی‌گیرش نشدند.

به هر رو، پس از آن که چنین امیری ساخته شد، شمار زیادی چون «ابوالقاسم اسماعیل‌پور» «حسن انوشه»، «طلعت بصاری»، «پوران‌دخت حسین‌زاده»، «علی اکبر خداپرست»، «فخرالدین سورتیجی»، «عباس شایان»، «سید محمد طاهری» شهاب، «اسدا» عمادی»، «محسن مجیدزاده»، «م.م. روجا»، «محمد باقر نجف‌زاده بارفروش»، در بزرگی و سخن‌سرایی امیر نابوده قلم‌فرسایی کردند و اندک‌اندک او را به هنرهای دیگر نیز آراستند. تا آنجا که می‌دانیم «نیما یوشیج»، آن بلند آوازه شعر نو ایران، نیز برای پژوهش درباره زبان مازندرانی و همچنین «تاریخ ادبیات ولایتی» خویش یک چند پی‌گیر ماجرای امیر بود، از آنجا که در نوشته‌های تا کنون چاپ شده نیما، در این زمینه دیدگاهی نیامده است، نمی‌توان

داوري درستي داشت. همين اندازه خاموشي شايد نشان از آن باشد كه يي بر خلاف گذشته كه دچار فريب بودن «پادوسپانيان» / « پادوسپانيان / » و ... شده و مقاله اي براي روزگار و فرمايروي آن خاندان بر ساخته اوليايي آملئي نويسنده تاريخ رويان. تاريخ پاياني نگارش اول محرم / 29 تير 764 ه. ق (و دنباله دهندگان، بر بخشي از مازندران نوشته بود، اين بار تا دستيابي به منابع استوار و پويش بایسته، سخني نگفته باشد. شگفت اين كه يكي بي شناخت درست تاريخ و ادب مازندران و نيما، در نوشته اي بر آن شده بود كه نيما را دوستدار و پيرو پيگير « كنز الاسرار » و « آن امير » بشناساند

پس از 1357 تا كنون كه اندكي بومگرايي در ايران - چون جايهاي زيادي از جهان - جان تازه اي گرفت، بار ديگر افسانه امير بر سر زبانها افتاده است براي دريافت درست و آماري از اين سخن مي توان از كتابشناسي او بهره برد.

دريغ، در اين سالها نيز برخي اهل قلم و سياست بر كژيها افزودند و در ستايش او تا آن اندازه پيش رفتند كه در شماري از منابع برجسته نما نيز جاي گرفت؛ اما با اين همه آشفته كاري، گروه اندكي نيز به درستي گمان بر نبود چنين شاعري آوردند و يا دست كم كژيهاي نوشته هاي افسانه پردازان را بر شمرند.

در اين بخش افزون بر آنچه پيشتر آمد، كارنامه امير سازان دو دهه اخير را با گزارش برجسته ترين آنها دنبال مي كنيم.

در شرايطي كه بيشتر مردم و به ويژه روشنفكران به درستي - از روش سرمايه داري و هر گونه شيوه بهره مكشي از انسان انتقاد پيگير داشتند و خواستار تغيير ارزيابيها بودند، در زمينه هاي فرهنگي و هنري نيز نياز شد كه ديگرگوني پديد آيد، پس شمار زيادي چنين كردند. در پي آن بسياري از برجستگان از راه برخورد طبقاتي، جاگاه تاريخي خود را از دست دادند. برخي فراز گرفتند و شماري فرو افتادند. پيدا است ياد مانده هاي زمينه هاي گوناگون مازندران هم از اين خيزش و ريزش به دور نماندند و امير افسانه اي نيز

امير پازواري كه در پرونده اش همراهي با « امير تيمور » غارتگر و خونريز، بزرگ مالك دارايي و مردم پازوار، شاعر شعر فروش دربار شاه عباس و اتهامات ديگر بود، به بهانه چند سروده در ستايش تهيدستان و دادخواهي از بيداد اربابها و بزرگان، به يك باره به دست شماري از همان داوران تاريخ و فرهنگ نه تنها تبرئه شد بلكه در رده ستينهنده ادبي و هنرمند مردم در اردوي زحمتكشان جايگرفت براي نمونه نگ: خداپرست، علي اكبر ». امير پازواري و شعرهايش . « كتاب فصل، ش 2 و 3 بهار و تابستان (1359) 33-39 ».

پس از آن كه به خواست ويژگيهاي زمين و زمان وي را از ستايش بزرگان و زر اندوزان بر كنار داشتند، نياز آمد كه از « گوهر » و ديگر دلبران دست بردارد و به جاي سرايش در مياهاي جمال پرستي و هرگونه هوس حرام، هنر بگرداند و دينداري پيشه كند، بلكه هم خود و هم سازندگان و تعميركارانش را رفاه و آسايش به دست آيد. بايد اعتراف كرد كه تاكنون دارندگان اين اندیشه كامياب بوده اند، تا آنجا كه نخست امير را در دايره المعارف تشيع جاي دادند، پس از آن وعده كردند كه در فرهنگ زندگي نامه ها و منابعي از اين دست جاگاه درخوري داشته باشد.

به درستي بايد گفت با آن كه دايره المعارف تشيع سن و سال چنداني ندارد و هنوز به پايان نرسيده است، اما پس از بنيادگزاراي كارگاه امير سازي از روزگار قاجاريه تا كنون، يكي از برجسته ترين توليدكننده هاي امير بوده است، چندان كه سزاوار نشان شگفت آفرين دو دهه كنوني است

این کتاب ناتمام که ناشر، پدید آورندگان و همداستان‌های آنان، آن را یکی از بهترین و بزرگترین منابع شیعه و ایران‌شناسی آوازه داده‌اند، درباره امیر پازواری چنان کژنویسی کرد که خطاها و کاستی‌های زندگی‌نامه شماری از مازندرانی‌ها مانند «آل باوند»، «ابن اسفندیار»، «ابوطالب هارونی و برادرش» بر آوازه به «برادران هارونی»، «ابوالعلاء ساروی»، «اسکندر چلاوی»، «افراسیاب چلاوی»، «اولیاء آملی»، «پادوسپانیان» در جلد 1 و 2، کمتر به چشم می‌آیند. البته برخی از این بخش‌ها نیز شگفت‌انگیز شده‌اند که در جای دیگر باید به آن‌ها پرداخت، مانند: پدر و پسر سنی مذهب که شیعی می‌شوند؛ زندگی‌نامه دو برادر در هم آمیخته، نام آن‌ها و نیایشان دگرگون می‌شود؛ تغییر داستان مرگ «ابن اسفندیار» با همین داستان و از همین زندگی‌نامه نویسی و همکارانش در فرهنگ زندگی‌نامه‌ها/1270) پی‌گیری افسانه «ابن اسفندیار» درباره پیشینه «خاندان باوندی» و نیز خاندان نابوده «پادوسپانیان» ساخته «اولیاء آملی»؛ «دنباله دادن ماجرای انتساب بخش پیوست تاریخ طبرستان ابن اسفندیار به اولیاء آملی».

به هر رو، این کتاب در شناسه امیر مازندرانی = امیر پازواری (نخست وی را از سخن‌سرایان و عارفان پایانی سده 9 و اوایل سده 10 ه.ق شناساند. سپس افسانه‌های شناخته شده زندگانی و سروده‌هایش آمد.

در بخش پایانی شگفتی پدید آورد: «برخی امیر مازندرانی و امیر پازواری را دو تن دانسته‌اند که درست نیست».

دایره‌المعارف تشیع. زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی؛ کامران فانی؛ بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: بنیاد اسلامی طاهر، 1366، ج: 2/521).

از آنجا که دایره‌المعارف تشیع ویژگی‌هایی دارد که دوستداران تاریخ و فرهنگ از آن آگاهند، برای همین ناچار به‌باز شکافی هر چند فشرده ناراستی این نوشته هستیم. برای دریافت درست کژ زندگی‌نامه‌هایی از این دست در این کتاب، باید یادآور شد که دستور کار این گونه منابع آن است که پس از گزینش شخص، در منابع برجسته چاپی و خطی، زندگی‌نامه و کارنامه وی را گرد می‌آورند. پس از آن زندگی‌نامه‌ای ژرف، درست و فشرده - با کمترین واژه‌ها - می‌نویسند. در پایان، برای آگاهی همگان و نیز گمان به‌پژوهش دیگران باید منابعی که از آن‌ها بهره گرفته شد، به‌درستی شناساند. حال آن‌که در این نوشته، جز کوتاهی‌هایی چنان نشده است.

در اینجا کوشش شده است خطاها به‌گونه فشرده و به‌شماره بیایند.

1- پیدا نیست چگونه کسی که در هیچ‌یک از نوشته‌های پیش از دوران «قاجاریه» از او یاد نشد، گزینش شد.

2- از آنجا که سازندگان بر او نام «امیر پازواری» گذاشته بودند و از آنجا که «امیر مازندرانی» نام ادبی و لقب سخن‌سرایان از روزگار قاجاریه است، شناسه امیر مازندرانی نادرست است، باید به‌همان نام بر ساخته امیر پازواری بسنده می‌شد. به‌جا است گفته شود که در دو مدخل پیش امیرکل - (نوشته‌همین زندگی‌نامه نویسی که دنباله‌اش در همین صفحه 521 آمده است از «امیر پازواری» یاد شد نه «امیر مازندرانی»

3- معروف به شیخ العجم. «درباره دوران حکومت صفویه به‌ویژه «شاه‌عباس یکم صفوی» منابع بسیاری در دست است، اما در هیچ‌یک از آن همه نوشته از «امیر پازواری» این «شیخ العجم» بر آواز دربار شاه‌عباس نشانی نیست؛ آیا همین نبود برای ساختگی بودن همه ماجرا و نیز نادرستی نوشته‌ها، تردیدی بر نمی‌انگیزد؟

4- درباره « عرفان‌گرایی » امیر یاد شده دو نکته گفتنی است:

نخست این‌که، با شناخت ویژگی‌های جغرافیایی مازندران و تاریخ و فرهنگ آن، به‌سادگی می‌توان دریافت که این سرزمین، صوفی، درویش و عارف‌پرور نیست. در منابع تاریخی مازندران و این فرقه‌ها، از پیروان نامدار این باورها جز نمونه‌هایی چون «ابوالعباس آملی» و «یا حسن کاشی‌آملی» که آنان نیز به‌سرزمینی دیگر رفتند و همان‌جا آوازه یافتند، نامی نیامده است. در پاسخ آنانی که شاید از «مرعشیان» یاد کنند باید گفت که این خاندان مازندرانی نبودند و از سده هشتم ه.ق از تاریخ‌مازندران سر برآوردند. همچنین خوانده‌ایم که این مدعیان درویشی و رهروی رهبری تهیدستان با چهره‌فندهایی فرمانروایی و فرمانبرداری کردند و چه اندازه بر مردم ناروا روا داشتند. کمترین سزای شمارزیادی از آنان ناسزا است، هر چند از آن‌ها امامزاده بسازند.

دوم: سروده‌های زیادی در «کنز‌الاسرار» آمده است که به‌دور و بخشی از آن‌ها حتی رو در روی عرفان‌گرایی است. اگر شماری بر این باورند که شعرهایی از این دست منسوب به امیر پازواری است، کرامت کرده و راز «محکمت» و «متشابهات» او و شعرهایش را آشکار سازند که این خود شاهکار است.

5- با این‌که دایره‌المعارف لقب هدایت داده «شیخ العجم» و روزگار زندگی وی را «پایان سده نهم و اوایل سده دهم» آورده است اما کمترین اشاره‌ای به پیوستن او به شاه عباس ندارد و به‌جای آن «بنا برداستانی که در میان مردم بر زبان‌ها می‌رفته» و وی را از خدمتگزاران «یکی از محتشمان محلی حاجی صالح بیگ؟ (که دختری به نام «گوهر» داشت می‌شناساند» از آنجا که دیگر نشانی از روزگار او به دست نمی‌دهد و از آنجا که بی‌دآوری به‌نشانه نپذیرفتن (از خبر هم‌زمانی و آشنایی وی و امیر تیمور می‌گذرد، لابد باید پدر دلیر یا همان «خواجه» امیر را پیدا کرد که گره‌ای ناگشودنی در تاریخ زبان، ادب، هنر، علوم و فنون و فرقه‌های مذهبی مازندران شده است. گره‌ای که گرد آورندگان و بایگانی و کتابخانه بزرگ دایره‌المعارف تشیع هم توان گشودنش را نداشته‌اند.

6- بر پایه داده‌های جلد اول کنز‌الاسرار مازندرانی چاپ ایران، «منوچهر ستوده» افزون بر مقدمه نویسی در بازچاپ آن همراه «گل‌باباپور» کوشش کرده است، اما در مقاله نام‌وی نیامد.

7- شگفتی‌آفرینی در سطر 21 و 22 است. جمله‌ای که با همه کوتاهی نشان توان کارخانه نو بنیاد امیر سازی است. پدیده‌ای نوین که هیچ هم‌اوردی را تاب رویارویی با آن نیست. می‌خوانیم: «برخی امیر مازندرانی و امیر پازواری را دو تن دانسته‌اند که درست نیست.» «به‌باور نگارنده این گفتار، همین دآوری نادرست، سند برجسته‌ای بر چگونگی پیدایی امیر پازواری‌ها است، افزون بر آن، بر پایه نوشته‌هایی از این دست در بخش بزرگان مازندران، که دست‌کم این قلم در این زمینه آشنایی دارد به‌روشنی می‌توان گفت با چنین آشفته‌نویسی‌ها، دایره‌المعارف تشیع نه تنها رهنمون پژوهش‌گران و دوست‌داران تاریخ و فرهنگ نیست بلکه بر خطاها می‌افزاید.

در نادرستی این نوشته همین بس که «امیر تیمور قاجار ساروی» مشهور به «امیر ساروی/امیر مازندرانی»، از شاعران مازندرانی‌سرای سده سیزدهم ه.ق است که «لغت‌نامه منظوم مازندرانی-فارسی» او چندان آوازه دارد که افزون بر آن‌که چند دست‌نوشته از آن با نام نصاب طبری در بخش نسخه‌های خطی سه کتابخانه ایران شناسانده شده است، زمینه اصلی پایان‌نامه دکترای ادب محمد صادق کیا بود تهران: دانشگاه تهران،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، 1323. (پس از آن به دست همو و با نام «واژنامه طبری» دوبار به چاپ رسیده است تهران: ایران‌کوده، 1325، 290ص * تهران: دانشگاه تهران، 1327، 289 ص. (در سال 1361 نیز نو نوشته‌ای از همین لغت‌نامه بانام نصاب مازندرانی به دست گل‌باباپور منتشر شد. پیدا است بیشتر منابع در شناخت زبان و ادب‌مآزندرانی از امیر مازندرانی یاد کرده‌اند و مردم نیز به اندازه آگاهی او را می‌شناسند. پذیرش ناآگاهی‌دایره‌المعارف تشیع و نویسنده زندگی‌نامه امیر پازواری که از قضای روزگار از مردم مازندران میانه‌است، به اندازه پذیرش نبود امیر ساروی/امیر مازندرانی دشوار و نابخردانه است

8- باز نویسی بی‌داوری داستان پیوستن امیر پازواری به «امیر تیمور گورکانی» و پیامد آن، در بخش پایانی، با این‌که نشان از رد این افسانه دارد اما از نخستین داستان‌سرا یاد نشد و نیز این‌که برگرفته از چه نوشته‌ای است؟ زیرا در هیچ‌کدام از چهار منبع داده شده به آن اشاره نشد.

9- برای نوشتن این زندگی‌نامه به چهار کتاب بسنده شد، حال آن‌که بیش از این درباره این امیر نوشته‌اند. از آنجا که منبع داستان همزمانی امیر و امیر تیمور یاد نشد، شاید بتوان گمان برد، نوشتن دیگر منابع از یاد رفت. دیگر این‌که در صفحه 272 مازندران از شایان نشانی از امیر پازواری نیست. تا کنون دوبار این کتاب به چاپ رسیده است، در چاپ اول 269 و در چاپ جدیدتر آن: علمی، پاییز 1364] ویرایش دوم [از صفحه 283 داستان وی آمده است

در دنباله امامزاده‌سازی امیر پازواری گام دیگر در نوشته «نصرا [هومند» بنداری (برداشته شد. اندیشه‌ای که تا زگی نداشت. برای همین درباره آن کمتر سخن به میان آوردند. چندان که نویسنده خود نیز به «ممکن است» که امیر از زمره مرعشیانی باشد که بیشتر یاد شد، بسنده کرد پژوهشی در زبان تبری = مازندرانی. (آمل؛ کتابسرای طالب آملی، 1369؛ 8-10، 73-74، 86).

نگارنده این گفتار گمان دارد «هومند» را با امیر چندان کاری نیست، زیرا وی را از مردم «پازوار بابل» آوازه داده‌اند حال آن‌که نویسنده در تلاش ساختن بزرگانی از این دست برای غرب مازندران است، برای همین از «زرگر آملی» و «رضا خراتی» یاد کرد و شماری از سروده‌های کنز‌الاسرار را با «ذکر دلایل فنی» از آن دو- رضا بیشتر دانست در این که سروده‌های آمده در کنز‌الاسرار بخش اندکی از کارنامه سخن‌سرایان با نام و بی‌نام مازندران، در گذر زمان، است که به دست «درن» و «آکادمی علوم روسیه گردآوری شد، کسی را تردیدی نیست. اختلاف شعرها، واژه‌ها، جای‌ها و نام‌ها خود بهترین گواه این ادعا است و خوشبختانه همه در این زمینه هم‌داستان هستند، اما در منابع از «زرگر» آمده در کنز‌الاسرار به نام «زرگر آملی» یاد نشد؛ دیگر این‌که داستان زندگی و شاعری «رضا خراتی» کمتر از افسانه امیر پازواری آوازه دارد، گویا «هومند» بر آن است افسانه از نفس افتاده دو سصد ساله- امیر پازواری و «رضاخراتی» - را در هم آمیزد بلکه از این آشفتگی‌ها نامداران تازه‌ای ساخته شوند.

از آنجا که نقد و بررسی همه و هم‌گونه‌های تاریخ ادبی مازندران در دستور کار این گفتار نیست، برای همین با گفتن، «شاید وقتی دیگر» گزارش افسانه امیر را دنبال می‌کنیم. با افشای کژی‌های دایره‌المعارف تشیع و مانده‌های آن، شماری از امیر دوستان رای خود را برگردانده‌اند و رو در روی هم‌داستان‌های گذشته جای گرفته‌اند. برخی نیز بر همان پندار

مانده‌اند و بر قامت تاریخی و ادبی او، چهل‌تکه می‌پوشانند. گروه اندکی در میانه، در مانده و شرمگین چند گونه می‌گویند. دور نیست که نابه‌سامانی نوشته‌هایی از این دست به سبب خواندن و نوشتن بی‌اندیشه ژرف‌باشد.

گرچه از گروه نخست کمتر نوشته‌ای در این زمینه به چاپ می‌رسد، اما همین اندک که نشان از آشنا ستیزی درست دارد، آماج خود را می‌شناسد. نمونه‌هایی چون نوح (جوانه) به کوشش محمود جوادیان کوتایبی، تهران: معین، با همکاری فرهنگخانه مازندران، 1375، با همه خطا و کاستی، نشانه خوبی از دگرگونی اندیشه در بررسی تاریخ سخنوران مازندران است. گروه دوم به هر بهانه در جایگاه افسانه‌سازی، سمت و سو دادن فرهنگ مردم و بازگویی نوشته‌های دیگران مانده‌اند. این گروه به هر شیوه از پشتیبانی صاحبان قدرت و امیرداران برخوردارند. سپاهیان امیر را از جلودارانش می‌توان شناخت، در همین گفتار نام شماری از آنان آمده است. اما گروه سوم که گمان می‌رود از سپاه پر سیاهی امیران گسسته‌اند، میانه دو آوردگاه سرگردان مانده‌اند. آنان به پندار برکشیدن خویش، در انبوه برچیده‌ها می‌غلطند و همچنان در تکاپوی بی‌پایان. این گونه‌ها، تا زمانی که باورهایشان را با پژوهش درست سامان ندهند، نوشته‌هایشان نیز نابه‌سامان خواهد بود.

نگاهی گذرا به چاپ شده‌هایی چون «امیر پازواری: بزرگترین شاعر تبری گوی مازندران» گیل‌هوا، 3، ش 22 و 23 تیر و مرداد (1373) 34 - 36 و ش 24 و 25 (شهریور و مهر) 14-16 (از «اسدالله عمادی» جایگاه پژوهشی وی و مانده‌هایش را آشکار می‌کند. با همه کلی‌گویی و باز نویسی برگرفته‌ها در باره تاریخ، زبان، ادب و هنر، باز هم در هم ریختگی و خطا در جای جای گفتار. چند نمونه زیر نشانه‌هایی از همان نابه‌سامانی است. درباره روزگار زندگانی و جایگاه افسانه‌ای به نام امیر پازواری با این که به درستی هیچ نمی‌داند، «بزرگترین، بزرگترین، بزرگترین». گویا همه شاعران در برابر او شاگردی بیش نیستند. آن هم شاعری که یک بیت از شعر او و یک جمله درباره زندگانی او به دست نیست؛ راستی آید شعر فارسی هم می‌توان از یک شاعر به عنوان بزرگترین همه روزگاران یاد کرد؟ «امیر پازواری: بزرگترین شاعر تبری گوی مازندران» نام گفتار «(امیر پازواری، بزرگترین شاعر تبری گوی ماست» نخستین جمله، ص 34، ست 1» (از سرنوشت بزرگترین شاعر تبری گوی خود، هیچ آگاهی نداریم «ص 34، ست 1» (میرزا شفیع مازندرانی، یکی از گرد آورندگان شعر امیر نیز، او را «شیخ‌العجم» اما «دهاتی و عامی» می‌داند، به راستی، ریشه این تناقض در چیست؟ بی‌تردید تا با زیافت سند و نوشتاری ارزشمند و بایسته درباره زندگانی و چهره امیر، این پرسش‌ها همچنان بدون پاسخ خواهد ماند «ص 34، ست 2 (پس از آن بی‌درنگ می‌نویسد: «امیر در دوره صفویه می‌زیست؛ «پس زمان زندگی امیر را - همان‌گونه که شعرش گواهی می‌دهد باید از قرن دهم به بعد بدانیم «ص 34، ست 3» (شعر امیر نیز در برآیند کلی، گواهی می‌دهد که او از دوره شاه‌عباس به بعد زندگی می‌کرد «ص 34، ست 3» (امیر در دوران شاه‌عباس و فرمانروایان بعد از او می‌زیست، گهگاه تصویر این رخدادها در آینه اشعارش منعکس است «ص 35، ست 2» (وزن شعر شاعران سده‌های گوناگون مثل... امیر پازواری‌ده و یازده «(نگ، بخش 2، ص 14، ست 2)

عمادی برخی سروده‌های کنز‌الاسرار را از امیر می‌داند و شماری را از شاعران دیگر این‌که چگونه می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد جز «گمان» روش دیگری سراغ ندارد. البته این را هم می‌آورد که «به گمان نگارنده، کتاب کنز‌الاسرار، نه دیوان امیر پازواری که تاریخ

شعر تیري است « بخش 2، ص 15، ست 3 »؛ (در این دیوان، باید از امیري‌ها صحبت کرد، نه از امیر؛ همان‌گونه که در بررسی رباعیات «خیام» باید از خیامی‌ها سخن گفت، نه خیام) « بخش 2، ص 16، ست 1 (افسوس که عمادی در همانندسازی نیز کژگویی می‌کند. آیا آگاهی‌هایی ما از امیر خیالی دانشمند، هنرمند، زبان‌شناس، شاعر، داستان‌سرا و... به اندازه داشته‌هایی ما از خیام است؟

روش برخورد نویسنده با منابع تاریخی نیز خطا است:

نخست آن‌که وی در این مقاله و دیگر نوشته‌ها به‌واژه تبرستان حساسیت ویژه‌ای دارد، به‌گونه‌ای که کتاب‌های «تاریخ طبرستان» و «یا» تاریخ طبرستان و رویان و مازندران « را به «ت» دگرگون می‌کند، حال آن‌که نام کتاب آن‌گونه است و نمی‌توان در آن دست برد، مگر این که در کتابخانه‌ها و یا کتابشناسی‌ها به دنبالش نباشیم دیگر این‌که عمادی می‌پندارد میرظهیرالدین مرعشی در کتاب یاد شده، همه تاریخ و فرهنگ مازندران را با همه رویدادها و... از گذشته‌های دور تا سال 881 ه. ق آورده است و چون نام امیر پازواری در این کتاب نیست، پس امیر پس از او بود. باز هم به‌پندار عمادی پس از تاریخ طبرستان و رویان و مازندران کتابی نوشته نشد تا این‌که میر تیمور تاریخ خاندان مرعشی [نام درست کتاب «تاریخ میر تیمور» است که مصحح آن را به این نام تغییر داده است] را می‌نویسد و در آن رویدادهای تا سال 1075 ه. ق را می‌آورد. «پس امیر در فاصله این دوران می‌زیست» . ص 34، ست 3؛ (این‌که چگونه امیر در این روزگار می‌زیست، کشف آقای عمادی است «میر تیمور» یک بیت مازندرانی را بی‌نام و نشان سراینده و تنها با نشانه «شاعر تیری» آورد. از آنجا که این بیت در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران و فقط در «تاریخ میر تیمور» آمده است و از آنجا که همین بیت را، با کمی دگرگویی، درکنز الاسرار مازندرانی آورده‌اند، پس این بیت از امیر است. وقتی شعر سروده امیر شد روزگار زندگانی او نیز میانه سال‌های 881 تا 1075 ه. ق گمان رفت

برای آگاهی نویسنده و هم‌فکرانش باید گفت میرظهیرالدین پس از آن تاریخ گیلان و دیلمستان را نوشت که در این کتاب رویدادهای مازندران هم آمده است؛ هر چند نام نوشته‌هایی او را بیش از این نوشته‌اند، اما جز این دو از دیگر آثار او آگاهی درستی به‌دست نیست. دیگر این‌که گمان می‌رود پس از تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تا تاریخ خاندان مرعشی/تاریخ میر تیمور منابع دیگری هم درباره تاریخ مازندران نوشته شده باشند، اما در آن میانه تنها تاریخ مازندران از «شیخ‌علی گیلانی» نگارش 1044 ه. ق (را می‌شناسیم. در این دو کتاب نیز نامی از امیر پازواری نیامد، اما کتابی را می‌شناسیم که نام و نمونه‌ای از شعر امیر علی، از شاعران مازندران در سده‌های 7 و 8 ه. ق، در آن آمده است. «تاریخ رویان» از اولیاء آملی، سازنده خاندان «پادوسپانیان»، دویار و به‌دست دو تن به‌چاپ رسیده است به‌تصحیح عباس خلیلی یا مقدمه احمد کسروی. تهران: اقبال، فروردین 1323* به‌تصحیح و... منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، 1348» (مرعشی) « در نگارش کتاب خود از آن بهره بسیار برد اما وی نیز چون اولیاء آملی، که از ابن اسفندیار یاد نکرده بود، نام منبع خود را نیاورد. این‌که که‌بیش از پیش می‌دانیم همه نام‌ها در کتاب مرعشی نیست، پس جمله «اگر امیر با شعرهای زیبای خود هم‌زمان یا پیش از او می‌زیست، بی‌تردید در این تاریخ نام و نشانی داشت؛ و یا دست کم‌بیتی از او زینت‌بخش این کتاب می‌شد» «ص 34، ست 3 (بی‌تردید خطا و نشان‌دهنده ناآشنایی به‌روش پژوهش تاریخ است. دیگر این‌که باید دانست دو کتاب در دست «میرظهیرالدین» گرچه یادمان گرانمایی از سده 9 ه. ق

ق است، اما به‌دور از خطا، کژنویسی و برخی جای‌ها يك سوي‌نگري نيست که در این میانه می‌توان از شیوه برخورد نادرست وي با خاندان «چلاوي /چلابي» ، از خیزش تاریخش یاد کرد.

به‌هر رو، این گروه باید مرزبندی خود را با امیر برساخته‌ای که بر پایه کنز‌الاسرار و دیگر داشته‌های ویژگی‌های زیر را دارد، روشن سازند وگرنه تا سرآمدن روزگار همچنان سرگردان خواهند بود.

از سویی عارفی بزرگ که افتخار دیدار با امام اول شیعیان و لقمه‌گیری از دست او داشت و از دیگر سویی سراینده‌ای خوش‌گذران، ستایشگر زن، زر و زور.

از سویی سید متشرعی از خاندان حکومتگر «سادات‌مرعشی‌مازندران» و از دیگر سویی اهل بزم و موسیقی.

از سویی حصیرنشین و اجیر زمین‌داران و از دیگر سویی آشنایی با «امیر تیمور گورکانی» و مالک‌پازوار.

از سویی «شیخ‌العجم» و «امیرالشعراي شاه عباس صفوي» و از دیگر سویی دزد ادبی پرسش و پاسخ‌های منسوب به شرفشاه دولایی، سروده‌های شناخته شده از دیگران، به‌نام و بی‌نام.

از سویی استاد زبان فارسی، عربی، مازندرانی، (ادب و دیگر دانش‌های زمانه و از دیگر سویی ناتوان در به‌کارگیری واژه‌ها در شعر، و دهها نمونه دیگر

پایانی سخن به‌جا است دیگر باره از «امیر علی» یاد کنیم که به‌پندار نگارنده، به‌همراه دیگر امیران نامدار و یا کهنام سرواد تبری/مازندرانی قربانی کارخانه‌های امیر پازواری سازی شده است. باشد که درباره او چنان‌چه شایسته است آگاهی‌های بیشتری در گذر زمان به‌دست آید.

چنان‌چه پیشتر آمد از منابع شناخته شده در دست، نخستین بار در تاریخ رویان اولیاء ا [املی از او یاد شد. نویسنده وي را از سخنوران هم‌زمان سده هشتم ه. ق (دانست و نمونه‌ای از سروده‌هایش را به‌یادگار در کتاب نوشت.

تا آنجا که می‌دانیم در همان زمانی که به‌نوشته افسانه‌سازان امیر پازواری به‌دنیا آمد و به‌خاک‌رفت، یکی از مازندرانی‌های اصفهان‌نشین در سفری به‌حج در دقت‌ری، سه «دوبیتی مازندرانی» را به‌یادگار این دیدار نوشت و همان‌گونه که بایسته است نام سراینده شعرها را در بالای آن‌ها آورد: «امیر علی طبرستانی»، پس از آن نام خود را نگاشت: «محمد هادی مازندرانی». «گویا در تاریخ 9 محرم 1086 ه. ق. شاید او هرگز نمی‌اندیشید که زمان درازی پس از مرگش، این شش بیت به‌جا مانده از سده یازدهم، سند ارزشمندی در گستره زبان و ادب مازندرانی به‌شمار آید.

به‌درستی که این دست‌نوشته در چند زمینه گرانبها است:

1- در آن روزگار هنوز نشانی از امیر پازواری بر ساخته نبود وگرنه «هادی مازندرانی» نام او را می‌نوشت.

2- در آن زمان «امیر علی» آمده در تاریخ رویان و سروده‌هایش تا آن اندازه بر سر زبان‌ها بود که ادیب و شاعری چون «آقا محمد هادی» فرزند «محمد صالح مازندرانی» وي و خانواده‌اش در دین و ادب آوازه دارند (در چنان جایگاهی و چنان هنگامه‌ای برای نوشتن یادمان، به‌جای شعر خود، سرود مازندرانی امیر علی را می‌نگارد.

شگفت این که «درن» این سه رباعی-1 «دارمه دو شش مهر بهدل میون مشت»، 2- «امیرگونه عاشقمه کجینه داری»، 3- «دست بزه مرا بدائی بابلرو» (را بهنام امیر پازواری در کنزالاسرار 1/160 و 2/24؛ 2/224؛ 1/135 و 2/527، 579 (آورد و تاکنون پژوهشگران در این باره سخنی نگفته‌اند)

3- گمان نسخه‌شناس که تاریخ مجموعه را تنها از سده 12 نوشته، خطا است. زیرا گردآورنده اش «محمد هادی مازندرانی» در سده‌های 11 و 12 می‌زیست. این نسخه 423 برگه به خط نستعلیق و نسخه‌سده 11 به شماره 7378 در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود؛ شعرهای یاد شده در صفحه 494 آمده است. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، 16/525- 525).

جز این، در همین کتابخانه نسخه دیگری شناسانده شده است که در برگه از آن، دو سروده: 1- یک دوبیتی مازندرانی با نام «امیر»، 2- شعری گیلکی از «خان احمد خان گیلانی» از فرمانروایان ادیب‌گیلان در سده 10 ه.ق (به یک خط آمده است. از آنجا که هر دو شعر بی‌خطا نوشته شده است، گمان می‌رود به خط تثنی از مردم «گیل‌ماز» باشد. درباره دو گونه آوردن نام دو سراینده، شاید برای این بوده‌آوردن نام «امیر» در شعر مازندرانی برای شناساندن شاعر بسنده بود، اما کمتر کسی از توانایی «خان احمد» در شعر گیلکی خبر داشت. هرچند اینک از نبودن آگاهی بیشتر از امیر و سروده‌هایش در این دست نوشته متأسفیم به هر رو، در صفحه 3311 جلد 13 «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» درباره این نسخه آمده است: شماره آن در این کتابخانه 4354. جنگ نستعلیق اوایل سده 1200-131236 (مجموع 194 شگ 22 سطر) شعرها در صفحه 26 نوشته شده است.

سروده این امیر را «برنارد درن» بهنام امیر نابوده پازواری آورد، اما سروده گیلکی «خان احمد» تا کنون در جایی شناسانده نشده بود شاید همین یادداشت بهانه خوبی برای همکاری همه سویه و بیش از پیش دوستداران تاریخ و فرهنگ «گیل‌ماز» در راه شناسایی و شناساندن هر چه بهتر سرزمین و مردم شمال شود. یاد که چنین باد.

* امیرپازواری از دیدگاه پژوهشگران و منتقدین. اسفند 1376: 202-219.

نگاهی به آئین نقد دوستانان امیر افسانه‌ای

« ما نگوییم بدو میل به ناحق نکنیم »
(حافظ)

چاپ نوشته‌ای از دوست غربت نشین، احد قربانی، با نام « نقد را آئینی است » در آن مجله گیله‌وا، ش 50، آبان 1377، ص 22-24 (در رو در رویی با گفتاری از این قلم «: امیر پازواری بر ساخته برجا » چاپ شده در برگ‌های 202-219 مجموعه مقاله امیر پازواری از دیدگاه پژوهشگران و منتقدان به‌کوشش جهانگیر نصیری اشرفی، تیسایه اسدی، تهران: خانه سبز، اسفند 1376) نگارنده یادداشت را واداشت که اندک داشته‌های پراکنده در زمینه امیران ادب تبرستان و دستنوشته نقد یاد شده را بار دیگر گردآورد. با آن که در پایانی بهار 1377 به آن نوشته و دیدگاه‌های همانندش پاسخی کوتاه و درخور داده شده بود، اما به سبب چاپ آن نیاز می‌بیند به بخش‌هایی از آن نقد اشاره گذرا شود. بلکه نقد گونه نویسی و هم اندیشانش از فریب خود و شماری از مردم دست برداشته و بیش از این پارمچامه‌های نام آوران و گمنامان سرواد تبری را که درن و هموندهایش در کنزالاسرار مازندرانی گردآورده‌اند، به نام کارنامه امیر بر ساخته پازواری بر فراز نکنند

از پیشگفتار بلند و نابجای « آئین نقد »، خواننده گمان می‌برد که کاستی و یا کژی‌های نوشته بمون، با سنجه‌های سنگین رستم سخن، چون سنجه سزا خواهند شد، افزون بر این سبب خواهد شد که دست کم چهره تاریخی و ادبی امیر پازواری نامی، کمی از تاریکی به درآید، اما دریغ که احد از « کمیت » فراتر نمی‌رود و « کیفیت » را به درستی نمی‌شناسد، تا آنجا که خود از دستور کار آئین نقدی که گردآورده‌است، سرباز زده و ناسنجیده برخورد احساسی را جایگزین روش پویبش شایسته می‌کند؛ شاید از همین رو است که از ناروا گویی و حتی دشنام نمی‌پرهیزد

ناگفته نماند که در پایانی پیش درآمد نابسامانی، برای آشنایی هر چه بیشتر خواننده با نگرش به‌دست آورده‌اش، وی را به « منابع 5-8 در کتابنامه » راهنمایی کرده است. منابعی که نه در دستنوشته و نه در مجله آمده است. شاید این گفتار برگرفته‌ای از نوشته دیگر منتقد به نام « نقد ادبی یا اعدام معنوی » باشد که در بخش « نقد یا افترا » از آن یاد شده است. جز خطاها و کژی‌های همه سویه و آشکار در جای‌جای نوشته، این سند در هم آمیزی دو پدیده جدا از هم، خود « نگاره » دیگری از نگره نادرست راهبران‌ناهمگون سپاه امیرپازواری است.

به هر رو، با آگاهی از آنچه که از گاه برگزاری یادواره امیر افسانه‌ای تا کنون به چاپ رسیده است، تا زمانی که سندهای کهن ارزشمندی در این باره شناسانده نشود، نگارنده این گفتار بر نوشته « امیرپازواری بر ساخته برجا » پایدار است. آن نقد و این یادداشت کوتاه، بایسته داور زمان و مردم است؛ البته نه « عوام » افسانه سرا، آشفته گو و پویه، بلکه « خواص » پاسدار و پوینده تاریخ و فرهنگ مردم.

پیش از پاسخگویی به بخشی از دریافت‌های بی پایه منتقد به نوشته نگارنده که گویا «: چند نکته بسیار واضح را نمی‌بیند و یا نمی‌خواهد ببیند » باید گفت که پیشگفتارش نقد ادبی را دربر می‌گیرد، نه نقد پژوهش زندگی نامه‌ای. آماج آن نوشته، پژوهشی است در ادعای بود

امیرپازواری نامی که برای پرخي شیخ العجم است و دیگر آوازه‌هایی که برایش بر ساخته‌اند، و نه تحلیل ادبی داستان‌ها و یاسروده‌های آمده در کنز الاسرار پایان نیافته. از همان آغاز و به همین سادگی می‌توان دریافت که شیوه برخورد دوست ما چه اندازه از « عقل سلیم و دیدگاه دادگر » به دور است.

دیگر اینکه در جمله « بگسترش امیری در سراسر مازندران و برخی نواحی همجوار » رندانه از موسیقی و ترانه پر آوازه و بی نشان از آفریننده‌ها یاد می‌کند، اما در دنباله، از آن درست دست برمی‌دارد و به نادرستی همه را از آن امیرپازواری افسانه‌ای می‌داند؛ بدون آن که در اینجا و یا جای دیگر مقاله، سندی درباره زمان زندگی و کارنامه علمی و فرهنگی وی به دست دهد.

1- برخلاف پندار نویسنده که « ادبیات کتبی و خواص در سراسر گیتی از ثبت و ضبط ادبیات شفاهی مردم سرباز می‌زند و تنها در سده اخیر، فولکلور ثبت و ضبط شد » باید گفت که یکی از دشواری‌های پژوهندگان، در آمیختگی « ادبیات کتبی » با « ادبیات شفاهی » است. شاید نویسندگان گذشته به سبب نداشتن سند، ناگزیر به آوردن گفته‌های مردم شده و در نوشته‌هایی به نام تاریخ و... به یادگار گذاشته‌اند. پیدایی و ماندگاری افسانه‌ها و اسطوره‌ها در تاریخ، ادب و دیگر شاخه‌های دانش بشری بهترین گواه این سخن است. نخستین نمونه شناسانده شده سروده فارسی، ترانه از ختلان‌آمیزه (... است که به نوشته منابع ادبی، از ترانه‌های مردم بویژه کودکان بود. نشانه دیگر، ماندگاری باورها و افسانه‌های مردم در کتاب‌های مقدس، منابع تاریخی و جغرافیایی است. در سرزمین ما نیز نوشته‌هایی از این دست کم نیستند. مرزبان نامه، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار (، تاریخ رویان، التدوین فی احوال جبال شروین و همان کنز الاسرار مازندرانی به خوبی نمایانگر خطای آن دیدگاه است. شایسته نیست که برای توجیه ناآگاهی خود و یا کم مایه بودن داشته‌ها، واقعیت‌ها و آژگونه شود. درست آن بود گفته می‌شد که: در زمینه گردآوری فرهنگ مردم، رویدادها و جداسازی آن‌ها از هم، کمتر کوشش شده است؛ که این نیز افزون بر شرایط جامعه، کمبود منابع و ناتوانی پژوهشگر، دلایل دیگری چون: پای بندی به باورهای نادرست، ستایش انسان‌ها و جوامع نابوده، سطحی نگری و جزاین‌ها دارد، مانند همین داستان امیرپازواری ناگفته نماند آنجا که می‌گوید: « تنها در سده اخیر، فولکلور ثبت و ضبط شد ». لابد خطای نگارشی است، و گرنه باید از « در » و « شد » گونه دیگری اندیشید.

پس از آن منتقد، با پذیرش ناگزیر بخشی از افشاگری مقاله امیرپازواری... که در هیچ یک از منابع تا سده سیزدهم ه.ق، یادی از امیرپازواری نشده است؛ دیوار باورش ترک برداشته و گامی در راه شناخت امیران ادب مازندران برمی‌دارد، اما لجوجانه برپندار خود پافشاری می‌کند که « دلیلی بر عدم وجود او نیست؛ » آنگاه ناچار دوباره گویی دارد که: « زیرا اولاً ادبیات مازندرانی مکتوب نمی‌شد، ثانیاً اشعار امیر به زبان توده‌های مردم نزدیک است و خواص از ثبت آن سرباز می‌زنند ».

در پاسخ به نگهداران امیر، بار دیگر به روشنی می‌نگارد که دستاورد سال‌ها خواندن، شنیدن و جستجو در منابع گوناگون در دست، این است که: سخنور، دانشمند، عارف و شیخ العجمی به نام امیرپازواری ساختگی است و آنچه که درن و دیگران گردآورده و کنز الاسرار مازندرانی خوانده‌اند، در هم کرد بخشی از یادمان‌های ادبی تبرستان در گذر سده‌ها است اینک بر امیر دوستان است که در برابر این روشنگری تاریخی - فرهنگی، به جای برخورد‌های

ناهنجار، ناشایست، بیدادگرانه و دشنام‌فرمایی، سندهای پذیرفتنی و برجسته‌ای از زندگی و کارنامه شیخ العجم و امامزاده پرآوازه خود آشکار سازند.

آگاهان تاریخ و فرهنگ تبرستان، ادعای نوشته نشدن یادمان‌های ادبی تبری /مازندرانی را - که هر چند جای نقد آمده است - تنها از روی خشم، لجبازی و یا گزافه‌گویی نمی‌پندارند؛ بلکه باخوش‌بینانه‌ترین دیدگاه، چنین سخنانی را نشانه آشکاری از کم‌دانی آئین پژوهش تاریخ و ادب‌سرزمین می‌دانند. نمونه‌های زیادی در منابع چاپی، نسخه‌های خطی و جز این‌ها، به دست است که بی‌پایه بودن این ادعا را فاش می‌کند. البته اندوه از دست شدن و یا ناپیدایی همه گنجینه‌های فرهنگی، هنری مردم این دیار، به دلایلی چون ویژگی‌های جغرافیایی زیستگاه، یورش بی‌پایه بیگانگان و ستم همه سویه خودی، سخن دیگری است که هرگز از یاد دوستداران سرزمین و مردمش نمی‌رود.

تردستی ادبی و یا آشفته‌گویی برجیده دوم پرسش برانگیز است. آیا امیر شما از بخش افسانه‌سازی فرهنگ مردم سربرآورد و نابوده نامیرا شد، یا آنکه والاگه‌ری آراسته به هنر و دانش‌های گوناگون بود که در ادبیات شفاهی نیز جایگاه ویژه‌ای یافت؟

جمله «اشعار امیر به توده‌های مردم نزدیک است و خواص از ثبت آن سرباز می‌زنند» نشان‌دهنده‌گری از عاشقی، آشفته‌گی و گزافه‌گویی آمیخته به چاشنی شعار است؛ و گرنه کیست نداند که اگر «خواص» نبودند همین اندازه یادمان‌ها و نوشته‌ها برجا نمی‌ماند. از مرزبان بن رستم برشمار تادوستان گمنامی که این روزها به هر بهانه می‌کوشند، نقشی در گردآوری و ازگان، ادب و دیگرشاخه‌های مازندران شناسی داشته باشند. از «خواص» بیگانه‌ای چون: شماری زیدیه، چندتن از مرعشیان، براون، خوجکو، درن، ملگونف، به همین اندک اشاره می‌گذریم. اگر از گمان آسیب‌رسانی آب و هوا و جنگ‌های یادی نکنیم، به یقین بخشی از همان توده و «عوام» گراها سبب شده‌اند که تا کنون دست‌نوشته‌های تبری، یادگارهای گرانبهایی چون نیکی‌نومه و مرزبان‌نامه به دست نیابند، چرا که از «خواص» کمتر دیده شد که عشق را در خود خفه کنند؛ بدان نشان که، در گذر سده هفتم تا دهم هجری، مرزبان‌نامه را از زبان تبری /مازندرانی به فارسی، ترکی و عربی برگردانیده‌اند.

2- منتقد دیرنشین، راهبرگونه فرمان می‌دهد که گردآوری و چاپ اشعار شیخ العجم و عارف‌کامل امیرپازواری نه حتی امیری (به شیوه کار بر روی سروده‌ها و نوشته‌های سخنورانی چون طالب‌نیست به هیچ پژوهش، «تصحیح و حاشیه‌ای» و لابد برگردانی نیاز ندارد گویا به یاد نمی‌آورد که خدایان باستانی نیز به این اندازه بیدادگر یک زبانه نبوده‌اند) فرمان هر چند سخت، اما بجا است؛ باید از امیر در پستوی سینه عوام بپوسد و گرنه وی و پیروانش رسوا خواهند شد.

دیگر اینکه، لابد نویسنده آگاهی چندانی از انبان فرهنگ «عوام» ندارد، چرا که درباره طالب نیز سخنان زیادی بر زبان می‌رانند و افسانه‌هایی درباره زادگاه، روزگار گذرانی، عشق و... او می‌گویند. گروهی طالب را از مردم غرب مازندران کنونی، برخی میانی حتی سوادکوه (و شماری شرقی منطقه‌بهبهر (دانسته‌اند، از آنجا که باور نویسنده به درست و راست گوئی «عوام» است پس هر آن چه که «خواص» از طالب و سروده‌هایش نوشته‌اند، خطا است.

چند سالی است که دلبستگی نیما به امیر افسانه‌ای و پیروی از او در سرایش روجا زبائزد برخی شده است. نگارنده این گفتار برپایه آنچه که تاکنون از نیما به چاپ رسیده است، پژوهش‌های مازندران‌شناسی او را چندان جدی نمی‌داند و بخشی از باور خود را در گفتار

نقد شده آورده است. باید منتظر ماند بلکه در کشاکش حقوقی و ادبی دو همدستان کهن - شرآگیم یوشیچ و سیروس طاهباز - نوشته‌ها و سروده‌های چاپ نشده نیما در دسترس همگان قرار گیرد، پس از آن می‌توان در این زمینه بهتر داوری کرد.

با این همه بجا است که در ناگزیری نشان دادن خطای منتقد بر آن نوشته، به پدیده سرگرمی نیما اشاره شود. وی درست ناخوانده بر این باور است که: نیما هم در «روجا» هم در نامه‌هایش از امیرپازواری و گوهرش به صراحت یاد می‌کند. اما در مجموعه کامل نامه‌های نیما یوشیچ گردآوری و... سیروس طاهباز. تهران: علم، 1375، چاپ 3: 295، 306، 350، 402، 424] برگ 424 در چاپ مقاله «کتابشناسی افسانه امیرپازواری» در مجموعه «امیر...» : 165-174، نیامده است ([هیچ نشانی از پیروی - حتی دوستداری - امیرپازواری نیست و نام گوهر / گهر نیز نیامده است. وی در چهار نامه، درخواست به دست آوردن کنز الاسرار مازندرانی داشت. در نامه‌ای نیز به خطا گمان برد که پیر بازار به خواست امیر ساخته شد: «گمان می‌برم این بازاری است که» «امیر» شاعر معروف ولایتی آن را تأسیس کرده است «همانجا، 306. (زمان سنجی نامه‌ها از 2/12/1307 تا 15/11/1309 است نه بیش از آن. در سخن آغاز «روجا» به تاریخ بهمن 1318، نیز یادی از امیرپازواری و پیروی از او نشده است. مجموعه کامل اشعار نیما یوشیچ، گردآوری و... سیروس طاهباز، تهران: نگاه، 1373، «چاپ 3» : 613-614 (ناگفته نماند که دلدادگی امیرپازواری و گوهر به هم نیز، از جمله داستان‌ها است. همین‌باور ناروای منتقد یکی از نشانه‌های چگونگی پیدایی و بالندگی افسانه در گذشته و اکنون است

بر پایه داده‌های مجموعه نامه‌ها...، نگارنده این گفتار گمان دارد از همان زمانی که نیما از روی ناچاری زندگی، سالی در بابل زیست 1307)، از روی سرگرمی به نگارش تاریخ ادبیات ولایتی چاپ‌نشده (روی آورد. روشن است وقتی رویکرد نیما به تاریخ و ادب سرزمین «تقنی» باشد، رویگردانی از آن هم ناگزیر و زودرس خواهد بود و نیما نیز بر آن آگاه، برای همین در زمستان 1307 در نامه‌ای به آغاز کشمکش درونی خود درباره «تاریخ ادبیات ولایتی» اشاره کرد که: «از تفنن‌های ادبی من است. باید چیزی باشد که مرا خسته و ذوق زده نکند. بالعکس من خیلی زود از این کار کسل شده‌ام». مجموعه نامه‌ها: 295 (شاید در گریز از همین «تفنن» است که پس از آخرین تاریخ گذاری بر سخن آغاز روجا بهمن 1318 (تاگاه جان سپاری، در نوشته‌های به چاپ رسیده‌اش، هیچ سروده مازندرانی دیده نمی‌شود نزدیک به یازده سال به تاریخ و ادب مردم و سرزمینی که عشق می‌ورزید، هر از گاهی و «تقنی» اندیشید و نوشت. برآستی که هرگاه نیما به گونه جدی و پویا با این پدیده روبرو می‌شد. در شکستن قالب‌های سرود تبری / مازندرانی نیز می‌کوشید، نه آنکه تنها تماشاگر پیشرفت دیگران بماند. برای نمونه، احسان طبری «سه وائی» به فارسی بامداد، به گویش مردم سواد کوه [را چاپ کنده نامه مردم، 5، ش 2 - مرداد 1327 - : 66-67 (و نیما سخنی نگویید و یا در روجا بماند؛ مگر آنکه بپذیریم که نیما بزرگ، به دلایلی، پژوهنده پایداری در زمینه مازندان و مازندرانی‌ها نبود. امیردوستان بر پایه «عقل سلیم و دیدگاه دادگر»، درست نیست که درباره‌اش بی‌درنگ و اقعیت‌ها، به هر ترفندی خود را زیر چتر ویژه نیما و یا دیگری پنهان کنید

در بخش «نقد یا افترا» منتقد گران مایه، اندک بردباری بجای مانده را به کنار زده، شوریده و شورانگیز، ناروا و ناسازی‌ها بیش از پیش، چون «ادعای باطل» کردن «پرچسب ناچسب» زدن «بآبروی دیگران در ادب بازی کردن؛» در آمیختن «دوغ و دوشاب»؛

«حق» نداشتن؛ نداشتن «دلایل محکمه پسند»، «ناجوانمردانه و ناعادلانه»، «تنگ نظر»، «ترور شخصیت» کردن، نثار نویسنده «امیرپازواری بر ساخته برجا» می‌کند، بی‌آنکه دریابد که افزون بر افزودن آشفتگی‌های تاریخ و ادب‌تیرستان، می‌تواند «عوام» گرایان و نیز اندیشه‌های پوسیده دشمن قلم را بشوراند

پیدا است در چنین هنگامه‌ای که از کنش آئین پژوهش و نقد آن برتافته است، در واکنشی ویژه و آئینی، فرمان ناشایست براند که نباید نوشته‌ها، سندها و دستاورد پژوهش را نقد و بررسی کرد، بلکه باید به دست آورد که چه کسی و از کدام گروه اجتماعی و یا اقتصادی نوشته است. یعنی از راه شناخت خاستگاه و خواستگاه، جایگاه زندگی، پیشه و درآمد پدیده آورنده شاید گزارش داده‌های آغاز و پایان‌گفتار برای آن بود که دستاویز ارزش‌گذاری این چنانی را بهترین روش سنجش پژوهش‌های تاریخی، ادبی و هنری و نقد آن‌ها بشناساند. برپایه چنین شیوه خردمندانانه و دادگرانه‌ای اگر نویسنده مهاجر / تبعیدی سخت کار کم درآمد، کارمند باز خرید، باز نشسته و یا برکنار شده، دبیر خصوصی، دانشجو و یا راننده‌ای، در زمینه مازندران و مازندرانی‌ها چند برگی به چاپ رساند، نه تنها نمایان‌کن کاستی و کژی نوشته‌اش بایسته نیست، بلکه شایسته ستودن است

با شناخت روش «عوام» پسند منتقد برای روبرویی با نوشته‌های تاریخی و ادبی، از خردمندان اجازه می‌خواهد به یک سویه نگری و خردگیری نابجایی و دربار سبک و زبان «امیرپازواری بر ساخته برجا» آگاهانه سخنی نگوید، زیرا «من مار نویسم او کشد نقشه مار» و امی از نیما.

باید از منتقد و مانده‌هایش پرسید که نقد چاپ شده، چه دستاورد تازه‌ای برای شناخت امیران ادب مازندران دارد؟ چه سود از آن گونه نوشته‌ها، وقتی که خود، به «آئین نقد» گزارش شده و «چکیدسخن» پای بند نیستند؟ به باور این قلم، دیری است روزگار آشفته نویسی پشت سر گذاشته شد، هر چند هنوز شماری دیدبان امیر با عیار صومعه داران، «عوام» را به ستایش قطب خویش فرا خوانند

آذر 1377 / دسامبر 1998 - آلمان